

چرا سلامت دهان در سیاست‌های درمانی جایی ندارد؟

دندان درد ملی

معاون وزیر بهداشت: بیش از نیمی از افراد بالای ۶۵ سال کشور دندان ندارند

صفحه ۶



ورود دیر هنگام بانک مرکزی
به بازار بی ضابطه طلای آنلاین

نظارت کاغذی

تخلف لحظه‌ای

بازار طلای آنلاین بدون نظارت، سرمایه‌گذاران خرد را در خطر جدی قرار داده است

بازار طلا در ایران طی یک سال گذشته، شاهد تب و تاب بی‌سابقه‌ای بود. تب طلا نه فقط در بازار فیزیکی، بلکه در فضای آنلاین نیز به سرعت گسترش یافت. پلتفرم‌های متعددی با وعده خرید و فروش طلا، سرمایه‌گذاری خرد و حتی عرضه طلای دیجیتال، وارد میدان شدند. اما بسیاری از این پلتفرم‌ها، بدون پشتوانه حقوقی و نظارتی مشخص، اقدام به فروش طلای ناخالص یا ارائه خدمات غیر شفاف کردند؛ موضوعی که در نهایت به زیان گسترده سرمایه‌گذاران خرد و بی‌اعتمادی عمومی منجر شد...

صفحه ۲

تحلیل جامعه‌شناختی پدیده خودکشی در ایران و چهار روایت از کسانی که تالیه مرگ رفتند، اما زندگی را دوباره برگزیدند

فروپاشی آرام پیوندها

مجید فولادیان، جامعه‌شناس: خودکشی پدیده‌ای چندعاملی است و در هر طبقه اجتماعی ریشه‌های متفاوت اقتصادی، فرهنگی و ارزشی دارد

صفحه ۶

در سوگ محمد کاسبی، هنرمندی از نسل نجابت و ایمان

آخرین لبخند

از کوچه‌های نازی آباد

اولبخندش را از مردم وام گرفت و به تصویر بخشید

صفحه ۵

قاب تحلیل و خبر

از حافظیه تا تاکسی‌های اینترنتی

وضعیت وخیم آرامگاه‌های حافظیه



تصاویری از سوی متخصصان مرمت و کنشگران میراث فرهنگی منتشر شده است که وضعیت آرامگاه‌هایی که در عرصه حافظیه قرار دارند را نامناسب نشان می‌دهد.

آرامگاه‌های مهمی در حافظیه هستند که به افراد سرشناس چون شعر، عرفا و خاندان «قوام» اختصاص دارند، اما بررسی‌ها از وضعیت وخیم و مرمت‌های غیراصولی این آرامگاه‌ها حکایت دارد که برخی از آنها دارای تزیینات ارزشمند هستند. **نکته:** مرمتگران حوزه میراث گزارش داده‌اند که درها و پنجره‌های چوبی این آرامگاه‌ها مورانه‌زده شده و بخش‌هایی از آنها، غیراصولی و غلط مرمت شده‌اند. مرمت‌هایی که به جای چوب، با سیمان و بتوپان انجام شده است. از طرفی تَرَک‌های بسیار زیادی در درها و پنجره‌ها مشاهده می‌شود. نوعی آشفتنگی و بی‌نظمی در مقبره‌ها وجود دارد. در داخل بیشتر مقبره‌ها پر از زباله است. یکی از کارشناسان مرمت براساس آخرین ارزیابی‌ها از آرامگاه حافظیه به ایسنا گفته که: آویزی در این آرامگاه وجود دارد که مسائلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود، نخبگان و اندیشمندان باید بتوانند آزادانه دیدگاه‌های خود را درباره عملکرد دولت و نظام تصمیم‌گیری مطرح کنند. این گفت‌وگو، فرصتی برای اصلاح مسیر و تقویت اعتماد عمومی است.

فعالیت‌شان قانونی نیست.

نکته: افزایش شهریه‌های مراکز پیش‌دبستانی و غیردولتی به‌ویژه در مناطق شهری، نگران‌کننده است. این وضعیت نشانه نابرابری آموزشی در کشور است. هرچند بخشی از این افزایش به دلیل تورم، هزینه‌های

نیروی انسانی و استانداردسازی فضاهای آموزشی است، اما شکاف میان توان مالی خانواده‌ها و هزینه‌های ثبت‌نام، به تدریج آموزش را از یک حق عمومی به امتیازی طبقاتی تبدیل کرده است.

در بسیاری از مناطق، نبود مدارس دولتی برگزارکننده دوره پیش‌دبستانی باعث شده خانواده‌ها ناچار به انتخاب مراکز خصوصی یا نیمه‌خصوصی شوند. در حالی که بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت موظف به فراهم کردن آموزش رایگان و عمومی است. به نظر می‌رسد برای اصلاح این وضعیت، باید نظام آموزش عمومی از پایه بازتعریف شود. یعنی شاهد توسعه مراکز پیش‌دبستانی دولتی، حمایت مالی هدفمند از خانواده‌های کم‌درآمد و نظارت کیفی بر موسسات آموزشی غیردولتی از ضرورت‌های فوری باشیم. به خصوص که آموزش در سنین کودکی، سنگ‌بنای توسعه انسانی است و اگر این پایه‌ها سست شود، هزینه‌های اجتماعی آن در آینده بسیار سنگین‌تر خواهد بود.

تأثیر رفتار سیاسی در افکار عمومی

محمدرضا باهنر، چهره سرشناس اصولگرا که در سابقه نمایندگی مجلس و عضویت در مجلس تشخیص مصلحت نظام را هم در کارنامه‌اش داشته در مصاحبه‌ای به خبر آنلاین گفته: «ما قرار نیست هر کس مثلاً نقد در دست یا خصمانه به رفتار دولت کرد، فردا دادگاه علنی برایش بگیریم، محکوم کنیم، شلاق بزنیم و زندانی یا اعدام کنیم. حرکات و رفتارهای سیاسی در افکار عمومی اثر می‌گذارد.» **نکته:** محمدرضا باهنر به موضوع مهمی اشاره کرده است. جامعه‌ای پویا بدون نقد، گفت‌وگو و شنیدن صداهای متفاوت نمی‌تواند رشد کند. در شرایطی که مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود، نخبگان و اندیشمندان باید بتوانند آزادانه دیدگاه‌های خود را درباره عملکرد دولت و نظام تصمیم‌گیری مطرح کنند. این گفت‌وگو، فرصتی برای اصلاح مسیر و تقویت اعتماد عمومی است.

در واقع، همان‌طور که باهنر تأکید می‌کند، بر خورد امنیتی یا قضایی با هر نقد و نظیر، جامعه را از عقلانیت و پویایی دور می‌کند. مسئولان باید با تساهل،

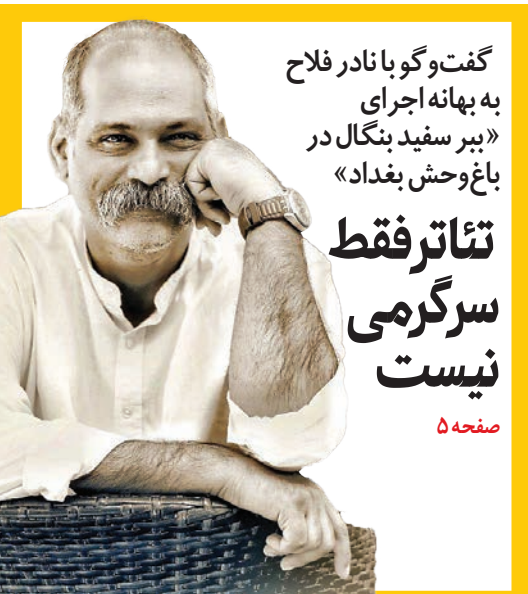
سعه‌صدر و گوش شنوا، نقدها را به عنوان بازتاب دغدغه‌های مردم بپذیرند و از آن برای بهبود سیاست‌ها استفاده کنند. در چنین فضایی، گفت‌وگو به ابزاری برای فهم متقابل تبدیل می‌شود و زمینه‌ساز اصلاح تدریجی و بدون تنش خواهد بود. افزون بر این، نقد سالم و آزاد می‌تواند شکاف میان حاکمیت و جامعه را کاهش دهد، سرمایه اجتماعی را ترمیم کند و از شکل‌گیری اعتراضات احساسی و ناگهانی جلوگیری کند.

تاکسی‌های سبز کجا رفتند؟

مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران در مورد اظهارات معاون اول رئیس‌جمهور در رابطه با نظارت بر تاکسی‌های اینترنتی یادآور شد: هنوز نظارت شهرداری بر تاکسی‌های اینترنتی اجرایی نشده است. باید شرایط ساماندهی شود و اینکه افراد از شهرستان به تهران بیایند و مسافر کشی کنند و برای خود، خانواده و شهروندان مشکل ایجاد کنند، درست نیست.

اظهارات اخیر مهدی چمران درباره لزوم نظارت شهرداری بر تاکسی‌های اینترنتی، پرسش‌هایی جدی درباره جایگاه مدیریت شهری در ساماندهی حمل‌ونقل عمومی ایجاد کرده است. باید پرسید شهرداری در حوزه تاکسی‌های سنتی و خطی تا چه اندازه در نظارت و حمایت موفق بوده است؟ آیا شهرداری و شورای شهر توانسته‌اند بی‌نظمی‌های گسترده، نبود تاکسی‌های سبزگردشی در خیابان‌ها، صف‌های طولانی در ایستگاه‌های پرمسافر و کمبود تاکسی در ساعات شلوغ را با نظارت و برنامه‌ریزی حل کنند؟

واقعیت این است که اگر بازاری برای تاکسی‌های اینترنتی شکل گرفته، به‌دلیل پاسخ‌ندادن سیستم سنتی به نیاز مردم بوده است. این بازار نشان‌دهنده کمبود خدمات و ضعف مدیریت در حوزه‌ای است که شهرداری مسئول مستقیم آن بوده است. به‌جای مقابله با پلتفرم‌های نوین، بهتر است اصلاح و نوسازی سیستم سنتی در دستور کار قرار گیرد. از سوی دیگر، از منظر حقوقی نیز این پرسش مطرح می‌شود که آیا اصلاً حوزه سیاست‌گذاری تاکسی‌های اینترنتی در اختیار شهرداری است؟ این حوزه در قانون در حیطه وزارت کشور و نهادهای ملی تعریف شده است. بنابراین بهتر است پیش از سخن گفتن از «نظارت»، محدوده اختیارات و عملکرد خود در بخش‌های موجود شفاف شود تا این گمان مطرح نشود که واکنشی به رقیب است.



گفت‌وگو با نادر فلاح
به بهانه اجرای
«بیر سفید بنگال در
باغ وحش بغداد»

تئاتر فقط سرگرمی نیست

صفحه ۵

متممی که رفیق گرمابه و گلستان خود را در عالم مستی به قتل رسانده بود پای میز محاکمه اظهار نداشت‌کرد

رد جنایت در

بساط عیش جاده لواسان

صفحه ۷

خانواده‌ها به دلیل رکود تورمی و کاهش درآمد به خرید پوشاک تاناکورا و دست دوم روی آورده‌اند

تغییر سبک به استوک

ورود استوک و لباس‌های دست دوم، تغییر رفتار مصرف‌کننده ایرانی و رشد بازار پوشاک ارزان را به همراه داشته است

صفحه ۴

شکست بهروز تابانی در اولین حضور
هادی چوپان همان همیشگی!

قهر ساندو با چوپان

صفحه ۸



سرمقاله

در حاشیه بی‌احترامی یک مقام مسئول در وزارت بهداشت به خبرنگاران

عصبانیت پشت تریبون

افشین امیرشاهی
سردبیر

هفته سلامت روان و پوشش سلامت دهان و دندان و دندانپزشکی در کشور در جریان است. روزنامه هفت صبح در همین راستا دو گزارش مهم منتشر کرده است؛ یکی تحلیلی جامعه‌شناختی از پدیده خودکشی در ایران و چهار روایت تکان‌دهنده از کسانی که تالیه مرگ رفتند، اما دوباره زندگی را برگزیدند و دیگری بررسی چرایی غفلت سیاست‌های درمانی کشور از سلامت دهان و دندان.

اما همزمان با این موضوعات حیاتی، یک رخداد غیرمنتظره در وزارت بهداشت خبر ساز شد. بر خورد لفظی و تندعلیرضای رئیس، معاون بهداشت وزارت بهداشت با یکی از خبرنگاران حاضر در نشست خبری. این نشست با محوریت سلامت روان و پوشش سلامت دهان برگزار شده بود، اما رفتار معاون وزیر بهداشت در خصوص آنچه باید یک جلسه اطلاع‌رسانی حرفه‌ای می‌بود را به یک منبع فحشال رسانه‌ای تبدیل کرد.

در پی پرس‌وجو از خبرنگاران داستان از این قرار بود که آقای رئیسی درباره افکار خودکشی و آمار آن در جامعه صحبت می‌کرد. او توضیح داد که بسیاری از افرادی که خودکشی می‌کنند، تمایل دارند با قرص این کار را انجام دهند و حتی به قرص برنج اشاره کرد. در همین لحظه، خبرنگار رکتا پرسید: «وزارت بهداشت برای کاهش افکار خودکشی و پیشگیری از آن چه کرده است؟»

از اینجا شاهد رفتار عجیب و پاسخ‌های عجیب‌تر معاون وزیر بهداشت بودیم. او به‌همان شکلی که در فیلم نشست خبری مشاهده می‌شود، می‌گوید: «قرص برنج به ما چه ربطی دارد؟» و در ادامه با لحنی تند، تحقیرآمیز و از زاویه بالا با خبرنگار صحبت می‌کند. پاسخ‌های معاون وزیر غیرمرتبط بود و حتی عباراتی عجیب به کار برد: «می‌خواهید سایدتان جنجالی شود؟»، «یک الف بچه»، «من باید به تو جواب بدهم»، و در کمال تاسف از دشنام نیز استفاده کرد.

بازتاب‌های این برخورد بسیار منفی بود و ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که رئیسی حتی پس از این جنجال، ویدئویی ضبط کرد تاظهارا عذرخواهی کند، اما سخنان او به عذرخواهی شباهت نداشت. همان‌اول هم سخنانش را با این جمله شروع می‌کند که از نظر من مسئله خاصی نبود. در اقع ویدئوی دوم آقای مسئول بیشتر نوعی توجیه و دفاع شخصی بود تا پشیمانی از رفتارش و عذرخواهی واقعی.

رفتار آقای رئیسی را می‌توان یک بی‌احترامی به افکار عمومی قلمداد کرد. چرا که رسانه‌ها میانه‌د مردم هستند و پرسش‌های آنها، صدای جامعه را به مسئولان می‌رساند. پس موضوع سلامت روان و خودکشی یکی از دغدغه‌های مهم در حوزه بهداشت عمومی به‌شمار می‌رود و مطرح کردن آن در هفته سلامت روان کاملاً منطقی و به‌جا است. اما آقای مسئول انگار که این پرسش مهم را شخصی تلقی کرد و با واکنش عصبی و پاسخ‌های مبهم، ضعف در مهارت‌های ارتباطی و کم تحملی خودش در پاسخگویی و پذیرش انتقاد را آشکار کرد. تجربه جدال با خبرنگاران نشان داد که مدیران ارشد باید توان تحمل پرسش‌های سخت و حساس را داشته باشند و بدانند که پاسخ شفاف و صادقانه حتی اگر دشوار باشد، همیشه بهتر از پاسخ‌های عصبی و توجیه‌های غیرمرتبط است. چون به جز بی‌احترامی که شاهد آن بودیم، خطر گستر سوءتفاهم و هیجان منفی در جامعه



ورود دیر هنگام بانک مرکزی به بازار طلای آنلاین که بی ضابطه و پر خطر است

نظارت کاغذی، تخلف لحظه‌ای

بازار طلای آنلاین بدون نظارت، سرمایه‌گذاران خود را در خطر جدی قرار داده است



سیاست‌گذاری است. از سوی دیگر، تجربه یک‌سال اخیر نشان داد که نبود زیرساخت‌های نظارتی مانند سامانه‌های ردیابی، گزارش‌دهی لحظه‌ای و اعتبارسنجی پلتفرم‌ها، زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های گسترده بوده است. بسیاری از پلتفرم‌ها با تبلیغات اغواگرانه، سرمایه‌گذاران خود را جذب کردند، بدون آنکه پشتوانه‌ای برای تحویل فیزیکی طلا یا تضمین ارزش آن وجود داشته باشند. در چنین فضایی، سیاست‌گذاری باید فراتر از صدور مجوز باشد؛ باید شامل ایجاد سامانه‌های نظارت هوشمند، الزام به گزارش‌دهی شفاف و تعریف ضمانت‌های اجرایی برای تخلفات باشد. همچنین، نقش نهادهایی مانند اینماد و مرکز توسعه تجارت الکترونیکی باید بازتعریف شود تا صرفاً به صدور نماد اعتماد بسنده نکنند، بلکه در فرآیند اعتبارسنجی و نظارت مستمر نیز مشارکت فعال داشته باشند.

ورود بانک مرکزی به حوزه معاملات آنلاین طلا، نقطه آغاز اصلاحات ساختاری در این بازار است، هرچند برای بازسازی اعتماد عمومی و جلوگیری از تکرار است و معلوم نیست بانک مرکزی در یک سال گذشته چرا سکوت کرده بود و آیا اقدامی در راستای فروش سکه‌های خودش بود؟

دلایل سکوت بانک مرکزی در تخلفات یک‌سال گذشته چیست؟

به دور از شائبه‌هایی که در معاملات آنلاین بازار طلا و سکوت دستگاه‌های متولی می‌توان ادعا کرد که برای بازسازی اعتماد عمومی و جلوگیری از تکرار بحران‌های مشابه، نیازمند یک سیاست‌گذاری هماهنگ و مبتنی بر فناوری هستیم که نه تنها از

گروه اقتصادی | بازار طلا در ایران طی یک سال گذشته، شاهد تب و تاب بی‌سابقه‌ای بود. تب طلانه فقط در بازار فیزیکی، بلکه در فضای آنلاین نیز به‌سرت گسترش یافت. پلتفرم‌های متعددی با وعده خرید و فروش طلا، سرمایه‌گذاری خود و حتی عرضه طلای دیجیتال، وارد میدان شدند. اما بسیاری از این پلتفرم‌ها، بدون پشتوانه حقوقی و نظارتی مشخص، اقدام به فروش طلای ناخالص یا ارائه خدمات غیرشفاف کردند؛ موضوعی که در نهایت به زیان گسترده سرمایه‌گذاران خرد و بی‌اعتمادی عمومی منجر شد.

در این فضای پرآشوب، نبود سیاست‌گذاری منسجم و تعدد نهادهای متولی از بانک مرکزی و مرکز توسعه تجارت الکترونیکی گرفته تا اینماد، سازمان بورس و وزارت صمت، باعث شد که مسئولیت‌پذیری در قبال معاملات آنلاین طلا، به حاشیه رانده شود. هر نهاد بخشی از مسئولیت را بر عهده داشت، اما هیچ‌کدام پاسخ‌گوی کامل نبودند. نتیجه، شکل‌گیری پلتفرم‌هایی بود که با مجوزهای ناقص یا بدون مجوز، به فروش طلا و جذب سرمایه اقدام کردند. واقعیت این است که بازار طلای آنلاین ایران به بستری برای رشد بی‌ضابطه پلتفرم‌هایی تبدیل شد که با وعده‌های جذاب سرمایه‌گذاری، بدون نظارت موثر و چارچوب قانونی مشخص، اقدام به فروش طلای ناخالص، جذب سرمایه‌های خرد و بعضاً کلاهبرداری کردند. نبود سامانه‌های نظارت لحظه‌ای، ضعف در اعتبارسنجی و تعدد نهادهای متولی، زمینه‌ساز تخلفاتی شد که نه تنها سرمایه مردم را تهدید کرد، بلکه اعتماد عمومی به کل بازار طلا را نیز خدشه‌دار ساخت.

شرط لازم برای موفقیت ناظر چیست؟

اکنون، پس از یک سال از گسترش این بحران، بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای تازه، وارد میدان سیاست‌گذاری شده و چارچوب‌هایی برای فعالیت پلتفرم‌های آنلاین طلا تعیین کرده است. این اقدام، اگرچه دیر هنگام، اما گامی ضروری در جهت ساماندهی بازار و بازگرداندن اعتماد عمومی محسوب می‌شود. بر اساس این سیاست جدید، فعالیت پلتفرم‌های فروش طلا باید تحت نظارت مستقیم بانک مرکزی و با رعایت استانداردهای شفافیت، اصالت کالا و احراز هویت مشتریان انجام شود.

اما پرسش اساسی اینجاست: آیا ورود بانک مرکزی به‌تنهایی می‌تواند این بازار را سامان دهد؟ در شرایطی که معاملات آنلاین طلا در تقاطع چند حوزه نظارتی قرار دارد، از تنظیم مقررات تجارت الکترونیکی تا نظارت مالی و امنیتی هماهنگی میان نهادهای و تعریف دقیق مسئولیت‌ها، شرط لازم برای موفقیت این

گروه اقتصادی | در یک سال گذشته، بازار روغن خوراکی در ایران بارها با بحران کمبود مواجه شد؛ بحرانی که در ظاهر به نوسانات ارزی و اختلال در زنجیره تامین نسبت داده شد، اما در لایه‌های پنهان‌تر، به سیاست‌گذاری معلق دولت در حوزه قیمت‌گذاری و ارز ترجیحی بازمی‌گردد. بررسی‌های میدانی و اظهارات فعالان صنعتی نشان می‌دهد که پشت پرده این کمبودها، نوعی تعارض میان وعده‌های دولتی به تولیدکنندگان و واقعیت‌های اجرایی در حوزه ارزی وجود داشته است.

دولت در ماه‌های گذشته به تولیدکنندگان روغن وعده داده بود که مجوز افزایش قیمت صادر خواهد شد؛ وعده‌ای که با هدف جبران هزینه‌های تولید و تطبیق با نرخ ارز جدید مطرح شد. اما در عمل، نرخ ارز ترجیحی برای واردات روغن خام از ۲۸۵۰۰ تومان به ۳۸۵۰۰ تومان تغییر نکرد و همین موضوع باعث شد که مجوز افزایش قیمت نیز صادر نشود. در نتیجه، تولیدکنندگان که با افزایش هزینه‌های واردات و تأخیر در وصول مطالبات ارزی مواجه بودند، عرضه را به‌صورت قطره‌چکانی انجام دادند تا با ایجاد کمبود مصنوعی، زمینه افزایش قیمت در بازار فراهم شود. در مقاطع مختلف، فروشگاه‌ها با محدودیت در توزیع روغن مواجه شدند. این کمبودها، همراه با نگرانی عمومی، موجب شد تا برخی خانوارها اقدام به خرید بیش از نیاز و ذخیر مسازی کنند؛ رفتاری که خود به تشدید نوسانات بازار دامن در. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که در برخی برندها، عرضه به‌شدت کاهش یافته و فروشگاه‌ها تنها تعداد محدودی از انواع روغن را در اختیار دارند. در همین حال، علیرضا شریفی، دبیر انجمن صنعتی صنایع روغن نباتی، اعلام کرده که «در نیمه نخست سال جاری بیش از ۱۰۱ میلیون تن روغن نباتی تولید شده که رکوردی در صنعت ۷۲ ساله کشور محسوب می‌شود. با این حال، تأخیر ۹ ماهه در پرداخت‌های ارزی به فروشندگان خارجی، موجب کاهش توان خرید مجدد، افت خروج کالا از گمرکات و افزایش هزینه‌های مالی کارخانجات شده است. در نتیجه، میزان کوتاژهای روغن خام در گمرکات به‌شدت کاهش یافته و زنجیره تامین دچار اختلال شده است.»

حذف ارز ترجیحی و حرکت به سمت نظام تک‌نرخ‌کنی ارز راهکار موثر برای عبور از بحران اخیر است. البته پیش‌بینی می‌شود که در صورت آزادسازی نرخ ارز، قیمت هر کیلوگرم روغن نباتی از ۹۲۵۰۰ تومان به ۲۲۰ هزار تومان برسد که دولت باید این افزایش را از محل درآمد حاصل از تفاوت نرخ ارز برای دهک‌های مختلف جبران کند. از سوی دیگر، حذف یارانه پنهان، کاهش قاچاق، صرفه‌جویی ارزی و امکان صادرات از جمله

سرمایه‌گذاران خود محافظت کنند، بلکه مسیر توسعه سالم و پایدار بازار طلا را نیز هموار سازد. اما فعلاً موضع‌گیری‌های مسئولان بانک مرکزی نیز چنین خواسته‌ای را برآورده نمی‌کند.

در نشست اخیر محمد رضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی اعلام شده که مقررات جدید باید متناسب با سرعت تحولات فناوری تدوین شوند و در عین حال، چند خط قرمز را برای فعالیت در این حوزه مشخص کرده‌اند؛ از مقابله با پولشویی، کنترل سوداگری و شرایط تحریمی، جلوگیری از خروج سرمایه و ممانعت از شکل‌گیری انحصار اما در همین ادعاها نیز درباره جلوگیری از سوءاستفاده از سرمایه مردم هیچ برنامه‌ای ارائه نشده است.

تنها بانک مرکزی تأکید کرد که این پلتفرم‌ها نباید نقش سپرده‌پذیر داشته باشند و تنها مجاز به انجام معاملات واقعی با موجودی طلا هستند. همچنین مقرر شد منابع مالی جذب‌شده از سوی این پلتفرم‌ها در حساب‌های مشخص بانکی نگهداری شود تا در صورت در عملیات تسویه و تعیین زمان‌بندی مشخص برای فعالیت این پلتفرم‌ها نیز از دیگر الزامات اعلام شده بود. این موضوعات در شرایطی مطرح می‌شود که بسیاری از شرکت‌ها در زمانی که قصد کلاهبرداری دارند ابتدا همه مسیر را به صورت قانونی طی می‌کنند اما بعد از اینکه تخلّف صورت گرفت به یکباره حساب‌ها را خالی می‌کنند به همین دلیل جلوگیری از تخلّف در پلتفرم‌های آنلاین نیازمند نظارت آنلاین است.

بانک مرکزی ناظر بر اصول کلی و محدودسازی

بازار طلای آنلاین ایران، پس از تجربه‌ای تلخ از تخلفات گسترده و بی‌اعتمادی عمومی، اکنون در آستانه تدوین ساختار نظارتی خود قرار گرفته است. اما آنچه در سیاست‌گذاری اخیر بانک مرکزی دیده می‌شود، بیشتر ناظر بر اصول کلی و محدودسازی ظاهری است تا طراحی مکانیزم‌های اجرایی برای پیشگیری از تخلف. در شرایطی که بسیاری از پلتفرم‌های مختلف مسیر قانونی را تا لحظه آخر طی می‌کنند و سپس با خالی کردن حساب‌ها از پاسخ‌گویی فرار می‌کنند، تنها راهکار موثر، ایجاد زیرساخت‌های نظارت آنلاین، گزارش‌دهی لحظه‌ای و پاسخ‌گویی چندنهادی است. بدون این ابزارها، سیاست‌گذاری صرفاً به صدور مجوز و تعیین خط قرمز محدود خواهد شد و نمی‌تواند مانع از تکرار بحران‌های پیشین شود. بازسازی اعتماد عمومی، نیازمند شفافیت، پاسخ‌گویی و اراده‌ای فراتر از بخشنامه‌های دیر هنگام است.

مزایای این سیاست عنوان شده است. در واکنش به کمبودهای اخیر، دولت تصمیم گرفته ۸۰ هزار تن روغن خام افتابگردان را از طریق شرکت بازرگانی دولتی به کارخانجات عرضه کند. این اقدام، اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند بخشی از کمبود را جبران کند، اما تا زمانی که تأخیر در پرداخت‌های ارزی و ناتوانی در سیاست‌گذاری ادامه داشته باشد، نمی‌توان انتظار ثبات پایدار را بازار داشت.

آنچه در ظاهر به‌عنوان کمبود روغن در بازار دیده می‌شود، در واقع نشانه‌ای از بحران ساختاری در سیاست‌گذاری اقتصادی است. تعارض میان وعده‌های دولتی و اجرای ناقص آن‌ها، نبود هماهنگی در سیاست‌های ارزی و فقدان شفافیت در قیمت‌گذاری، زمینه‌ساز رفتارهای احتکاری و شفاف‌سازی در تعامل دولت با تولیدکنندگان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

ضعف سیاست‌گذاری در تولید و تامین روغن

باید اعترف کرد که مهم‌ترین مشکل ضعف برنامه‌ریزی است. سال گذشته نیز با خروج سرمایه‌گذار عربستانی از صنعت روغن ایران، زنجیره تامین این محصول استراتژیک با خلأ جدی مواجه شد؛ خلأیی که در پیستر ناپایداری ارزی و بلاک‌تربیی سیاست‌گذاری، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان داخلی وارد کرد و ظرفیت‌های تولید را با چالش‌های تازه روبه‌رو ساخته است. شرکت صافولا عربستان سعودی که از طریق مشارکت در شرکت بهشپر نقش مهمی در تولید، واردات و توزیع روغن خوراکی در ایران ایفا می‌کرد، در سال‌های گذشته به‌تدریج از بازار ایران خارج شد. این خروج، نه‌تنها به معنای پایان یک سرمایه‌گذاری خارجی بزرگ بود، بلکه نشانه‌ای از کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی به فضای اقتصادی ایران نیز تلقی شد. سرمایه‌گذاری صافولا در صنعت روغن ایران، علاوه بر تامین پایدار مواد اولیه و انتقال فناوری، بخشی از بار ارزی واردات روغن خام را از دوش دولت برمی‌داشت اما با تشدید تنش‌های سیاسی و محدودیت‌های اقتصادی، این شرکت سهام خود را واگذار کرد و صنعت روغن ایران را در شرایطی حساس رها ساخت. پیامدهای این خروج، به‌وضوح در چند محور قابل مشاهده است:

کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و وابستگی بیشتر به منابع داخلی، افزایش فشار مالی بر تولیدکنندگان، بالا رفتن ریسک تامین مواد اولیه به‌ویژه در شرایط تأخیرهای ارزی و افت رقابت‌پذیری برندهای داخلی در غیاب شریک خارجی که پیش‌تر در توسعه بازار و بسته‌بندی نقش داشت. در واکنش به این خلأ، دولت ناگزیر شده است بخشی از نیاز بازار را با عرضه مستقیم روغن خام از طریق شرکت بازرگانی دولتی جبران کند. این اقدام، هرچند در کوتاه‌مدت موثر بوده، اما به‌دلیل هزینه‌های بالا و نبود چشم‌انداز سرمایه‌گذاری پایدار، نمی‌تواند جایگزین ساختارهای بین‌المللی شود. در حال حاضر نیز بازار روغن ایران با دو چالش اساسی مواجه است؛ از یک‌سو، تولیدکنندگان داخلی با مشکلات ارزی، قیمت‌گذاری دستوری و نبود چشم‌انداز روشن برای سودآوری روبه‌رو هستند. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان با نوسانات عرضه، افزایش قیمت‌بالقوه و کاهش تنوع برندها دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

چرا بازار روغن خوراکی ایران با کمبود و نوسان شدید مواجه است؟

روغن ناپایدار

کمبود روغن در بازار نتیجه سیاست‌گذاری ناقص، تعارض وعده‌های دولتی و اختلال در پرداخت‌های ارزی تولیدکنندگان است

۲۸۵۰۰ تومان به ۳۸۵۰۰ تومان تغییر نکرد و همین موضوع باعث شد که مجوز افزایش قیمت نیز صادر نشود. در نتیجه، تولیدکنندگان که با افزایش هزینه‌های واردات و تأخیر در وصول مطالبات ارزی مواجه بودند، عرضه را به‌صورت قطره‌چکانی انجام دادند تا با ایجاد کمبود مصنوعی، زمینه افزایش قیمت در بازار فراهم شود. در مقاطع مختلف، فروشگاه‌ها با محدودیت در توزیع روغن مواجه شدند. این کمبودها، همراه با نگرانی عمومی، موجب شد تا برخی خانوارها اقدام به خرید بیش از نیاز و ذخیر مسازی کنند؛ رفتاری که خود به تشدید نوسانات بازار دامن در. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که در برخی برندها، عرضه به‌شدت کاهش یافته و فروشگاه‌ها تنها تعداد محدودی از انواع روغن را در اختیار دارند. در همین حال، علیرضا شریفی، دبیر انجمن صنعتی صنایع روغن نباتی، اعلام کرده که «در

نیمه نخست سال جاری بیش از ۱۰۱ میلیون تن روغن نباتی تولید شده که رکوردی در صنعت ۷۲ ساله کشور محسوب می‌شود. با این حال، تأخیر ۹ ماهه در پرداخت‌های ارزی به فروشندگان خارجی، موجب کاهش توان خرید مجدد، افت خروج کالا از گمرکات و افزایش هزینه‌های مالی کارخانجات شده است. در نتیجه، میزان کوتاژهای روغن خام در گمرکات به‌شدت کاهش یافته و زنجیره تامین دچار اختلال شده است.»

حذف ارز ترجیحی و حرکت به سمت نظام تک‌نرخ‌کنی ارز راهکار موثر برای عبور از بحران اخیر است. البته پیش‌بینی می‌شود که در صورت آزادسازی نرخ ارز، قیمت هر کیلوگرم روغن نباتی از ۹۲۵۰۰ تومان به ۲۲۰ هزار تومان برسد که دولت باید این افزایش را از محل درآمد حاصل از تفاوت نرخ ارز برای دهک‌های مختلف جبران کند. از سوی دیگر، حذف یارانه پنهان، کاهش قاچاق، صرفه‌جویی ارزی و امکان صادرات از جمله

هفت‌صبح از چالش صادرات آب معدنی ایران به بازار کشورهای منطقه گزارش می‌دهد

آب ریخته به بطری برنمی‌گردد



مونا موسوی
هفت صبح

بحران اخیر در تجارت آب معدنی ایران، نقطه‌ای هشداردهنده در مسیر صادرات این محصول محسوب می‌شود؛ مسیری که تا پیش از این، با رشد برندهای داخلی و افزایش تقاضای منطقه‌ای، نویدبخش توسعه بود. اما اکنون، با اعلام مسمومیت دو شهروند عمانی پس از مصرف یک برند خاص از آب معدنی ایرانی و تصمیم دولت عمان برای جمع‌آوری کامل آن برند از بازار، شرایط صادرات آب معدنی را دشوار کرد چرا که بعد از آن دستور ممنوعیت واردات آب معدنی ایران توسط دولت امارات متحده عربی نیز اعلام شد و همین مسئله کافی بود تا این صنعت با چالشی جدی در سطح اعتبار و اعتماد منطقه‌ای مواجه شود.

رقابت در بازار آب معدنی کشورهای منطقه خاورمیانه

رقابت در بازار آب معدنی کشورهای منطقه خاورمیانه طی سال‌های اخیر به‌شدت افزایش یافته و به یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های مصرفی بدل شده است. کشورهایایی مانند ترکیه، لبنان، امارات و عربستان سعودی با بهره‌گیری از برندهای متنوع، بسته‌بندی‌های مدرن و رعایت استانداردهای بین‌المللی، توانسته‌اند سهم قابل توجهی از بازار منطقه را در اختیار بگیرند. ترکیه به‌ویژه با تمرکز بر صادرات محور بودن برندهای خود و حضور فعال در بازارهای عمان، قطر و امارات، جایگاه تثبیت‌شده‌ای یافته است. در این میان، ایران با برخورداری از منابع طبیعی غنی و چشمه‌های معدنی متعدد، ظرفیت بالایی برای تولید آب معدنی دارد. طبق آمارهای رسمی، سالانه بیش از ۱.۲ میلیارد لیتر آب معدنی در کشور تولید می‌شود که بخش عمده‌ای از آن در استان‌های چهارمحال و بختیاری، مازندران، فارس و لرستان بسته‌بندی می‌شود. با این حال، سهم صادراتی ایران از این تولید کمتر از ۵ درصد است و عمدتاً به کشورهای همسایه مانند عراق، افغانستان، پاکستان و در مواردی محدود به عمان و امارات ارسال می‌شود. این سهم اندک صادراتی در شرایطی رقم خورده که تقاضا برای آب بسته‌بندی در کشورهای منطقه به‌دلیل گرمای شدید، رشد جمعیت و تغییر الگوهای مصرفی، رو به افزایش است. با وجود این فرصت، برندهای ایرانی در رقابت با رقبای منطقه‌ای با چالش‌های جدی مواجه‌اند؛ از جمله ضعف در طراحی بسته‌بندی و بازاریابی بین‌المللی، نبود استانداردهای شفاف و قابل ردیابی برای مصرف‌کنندگان خارجی، فقدان دیپلماسی تجاری فعال برای تثبیت برندهای ایرانی در بازارهای هدف و واکنش کند به بحران‌های اعتبار مانند گزارش اخیر مسمومیت در عمان. در چنین فضایی، حتی یک گزارش منفی می‌تواند به حذف کامل یک برند از بازار منجر شود؛ همان‌طور که در مورد اخیر رخ داد. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای با سرمایه‌گذاری در تبلیغات، کنترل کیفیت و ارتباطات رسانه‌ای، توانسته‌اند اعتماد مصرف‌کنندگان را حفظ کرده و جایگاه خود را تثبیت کنند. برای ایران، اگر هدف توسعه صادرات غیرنفتی و حضور پایدار در بازارهای منطقه‌ای است، ضروری است که سیاست‌های صادراتی آب معدنی مورد بازنگری قرار گیرد. ارتقای استانداردها، ایجاد سامانه‌های ردیابی محصول، تقویت برندینگ بین‌المللی و پاسخ‌گویی سریع به بحران‌های اعتبار، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند مسیر رقابت‌پذیری ایران را هموار کنند. در غیر این صورت، ظرفیت تولید بالا به‌تنهایی نمی‌تواند ضامن موفقیت در بازارهای رقابتی باشد و فرصت‌های صادراتی همچنان از دست خواهند رفت.

تفاوت استانداردهای تولید و صادرات آب معدنی

رقابت در بازار آب معدنی کشورهای منطقه خاورمیانه طی سال‌های اخیر به‌شدت افزایش یافته و به یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های مصرفی بدل شده است. کشورهایایی مانند ترکیه، لبنان، امارات و عربستان سعودی با بهره‌گیری از برندهای متنوع، بسته‌بندی‌های مدرن و رعایت استانداردهای بین‌المللی، توانسته‌اند سهم قابل توجهی از بازار منطقه را در اختیار بگیرند. ترکیه به‌ویژه با تمرکز بر صادرات محور بودن برندهای خود و حضور فعال در بازارهای عمان، قطر و امارات، جایگاه تثبیت‌شده‌ای یافته است. در این میان، ایران با برخورداری از منابع طبیعی غنی و چشمه‌های معدنی متعدد، ظرفیت بالایی برای تولید آب معدنی دارد. طبق آمارهای رسمی، سالانه بیش از ۱.۲ میلیارد لیتر آب معدنی در کشور تولید می‌شود که بخش عمده‌ای از آن در استان‌های چهارمحال و بختیاری، مازندران، فارس و لرستان بسته‌بندی می‌شود. با این حال، سهم صادراتی ایران از این تولید کمتر از ۵ درصد است و عمدتاً به کشورهای همسایه مانند عراق، افغانستان، پاکستان و در مواردی محدود به عمان و امارات ارسال می‌شود. این سهم اندک صادراتی در شرایطی رقم خورده که تقاضا برای آب بسته‌بندی در کشورهای منطقه به‌دلیل گرمای شدید، رشد جمعیت و تغییر الگوهای مصرفی، رو به افزایش است. با وجود این فرصت، برندهای ایرانی در رقابت با رقبای منطقه‌ای با چالش‌های جدی مواجه‌اند؛ از جمله ضعف در طراحی بسته‌بندی و بازاریابی بین‌المللی، نبود استانداردهای شفاف و قابل ردیابی برای مصرف‌کنندگان خارجی، فقدان دیپلماسی تجاری فعال برای تثبیت برندهای ایرانی در بازارهای هدف و واکنش کند به بحران‌های اعتبار مانند گزارش اخیر مسمومیت در عمان. در چنین فضایی، حتی یک گزارش منفی می‌تواند به حذف کامل یک برند از بازار منجر شود؛ همان‌طور که در مورد اخیر رخ داد. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای با سرمایه‌گذاری در تبلیغات، کنترل کیفیت و ارتباطات رسانه‌ای، توانسته‌اند اعتماد مصرف‌کنندگان را حفظ کرده و جایگاه خود را تثبیت کنند. برای ایران، اگر هدف توسعه صادرات غیرنفتی و حضور پایدار در بازارهای منطقه‌ای است، ضروری است که سیاست‌های صادراتی آب معدنی مورد بازنگری قرار گیرد. ارتقای استانداردها، ایجاد سامانه‌های ردیابی محصول، تقویت برندینگ بین‌المللی و پاسخ‌گویی سریع به بحران‌های اعتبار، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند مسیر رقابت‌پذیری ایران را هموار کنند. در غیر این صورت، ظرفیت تولید بالا به‌تنهایی نمی‌تواند ضامن موفقیت در بازارهای رقابتی باشد و فرصت‌های صادراتی همچنان از دست خواهند رفت.

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۶۳۷۰۰۰۰۵۴
شماره مناقصه	۱۴۰۴/۵۱۲۲
موضوع مناقصه	انجام خدمات حمل و نقل سبک، نیمه سنگین و سنگین پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ برآوردی مناقصه	۲۴۳.۴۱۳.۸۶۲.۹۹۸.۸۶۵ ریال
مبلغ تضمین شرکت در فرایند آراج	۸۵.۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
تضمین شرکت در فرایند آراج کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۴۴-۵۰۶۵۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۷ هیات وزیران و همچنین مطابق موارد مشخص شده در سامانه ستاد می باشد.	
نوع تضمین شرکت در فرایند آراج کار	

آخرین مهلت دریافت استناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد و مهلت بازگذاری مستندات استناد اسلام از ارزیابی کیفی در سامانه ستاد مطابق تاریخ های درج شده در سامانه ستاد ایران می باشد.

آدرس منطقه کراز: استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه پنجم، امور حقوقی و پیمان‌ها، تلفن ۰۷۲۳۳۷۲۸۴-۵.

کلیه فرآیند بر گزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی WWW.SETADIRANIR انجام می پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۷۲-۳۳۱۷۲۵۲۰-۵ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

شرکت ملی گاز ایران

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

WWW.SETADIRANIR

شناسه آگهی: ۲۰۲۱۲۳۰

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRANIR تعیین نماید.

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۴۰۹۶۳۷۰۰۰۰۵۴
شماره مناقصه	۱۴۰۴/۵۱۲۲
موضوع مناقصه	انجام خدمات حمل و نقل سبک، نیمه سنگین و سنگین پالایشگاه پنجم مجتمع گاز پارس جنوبی
مبلغ برآوردی مناقصه	۲۴۳.۴۱۳.۸۶۲.۹۹۸.۸۶۵ ریال
مبلغ تضمین شرکت در فرایند آراج کار	۸۵.۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
تضمین شرکت در فرایند آراج کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۴۴-۵۰۶۵۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۷ هیات وزیران و همچنین مطابق موارد مشخص شده در سامانه ستاد می باشد.	
نوع تضمین شرکت در فرایند آراج کار	

آخرین مهلت دریافت استناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد و مهلت بازگذاری مستندات استناد اسلام از ارزیابی کیفی در سامانه ستاد مطابق تاریخ های درج شده در سامانه ستاد ایران می باشد.

آدرس منطقه کراز: استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه پنجم، امور حقوقی و پیمان‌ها، تلفن ۰۷۲۳۳۷۲۸۴-۵.

کلیه فرآیند بر گزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی WWW.SETADIRANIR انجام می پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۷۲-۳۳۱۷۲۵۲۰-۵ تماس حاصل فرمایند.

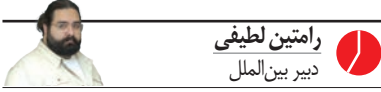
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

ویپ، دودی نوین که نسل جوان را به دام می کشد

محاصره در هندسه دود

جمعیت مصرف کنندگان ویپ در جهان از ۱۰۰ میلیون نفر عبور کرد



سازمان بهداشت جهانی (WHO) هشدار داده در حالی که نرخ جهانی مصرف سیگار به شدت کاهش یافته، و پیبینگ یا استفاده از سیگارهای الکترونیکی، موج جدیدی از اعتیاد به نیکوتین را به راه انداخته است. براساس هشدار جدید سازمان بهداشت جهانی، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان، از جمله حدود ۸۶ میلیون بزرگسال و ۱۵ میلیون نوجوان ۱۳ تا ۱۵ ساله، در حال حاضر از سیگارهای الکترونیکی استفاده می کنند و ویپ می کشند. افزایش استفاده از سیگارهای الکترونیکی، به ویژه در میان جوانان، موج جدیدی از اعتیاد به نیکوتین را به دنبال داشته و خطر تضعیف و از بین بردن دههها پیشرفت سخت، دشوار و جانکاه کشورهای جهان در مبارزه با مصرف سیگار را به همراه دارد.

تنباکو در بسته بندی جدید

مصرف جهانی تنباکو همچنان رو به کاهش است و از ۱.۲۸ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به ۱.۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۴ رسیده است. اما باید به این نکته مهم توجه کنیم که اپیدمی تنباکو هنوز به پایان نرسیده است. گزارش اخیر سازمان بهداشت جهانی نشان می دهد که یک نفر از هر پنج بزرگسال در جهان هنوز از تنباکو استفاده می کند که این امر هر ساله به میلیون ها مرگ قابل پیشگیری منجر می شود. دکتر تدروس آدهانوم گیریسوس، مدیر کل سازمان بهداشت جهانی، اظهار داشت: «میلیون ها نفر به لطف تلاش های کشورهای جهان برای کنترل مصرف تنباکو، سیگار را ترک کرده اند یا استفاده از آن را آغاز نکرده اند. در پاسخ به این پیشرفت چشمگیر، صنعت تنباکو با عرضه محصولات جدید نیکوتین و هدف قرار دادن تهاجمی جوانان، در حال مقابله است. دولت ها باید سریع تر و قاطع تر سیاست های اثبات شده کنترل تنباکو را اجرا کنند.» جالب است بدانید، کودکان ۹ برابر بیشتر از بزرگسالان به وپیبینگ روی می آورند و ویسپ دود می کنند. در نتیجه باید بگوییم که تولید کنندگان این محصول با هوشمندی فراوان شان، چیزی خلق کرده اند که توانسته بازار هدفش را به درستی نشانه بگیرد.

در ستایش اراده زنان

تا چند دهه پیش، مصرف تنباکو به ویژه مصرف سیگار، امری مردانه به حساب

می آمد و تصویر زنان سیگار به دست، قای بود که کمتر چشم به آن عادت داشت. رفته رفته اما تعداد زنان سیگاری هم افزایش یافت. گزارش های جدید نشان می دهد زنان زودتر از مردان از دود کردن سیگار پشیمان شده اند و در کاهش مصرف تنباکو پیشتازند و ۵ سال زودتر از هدف گذاری جهانی کاهش مصرف به موفقیت در این عرصه دست یافته اند. شیوع مصرف تنباکو در میان زنان از ۱۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۶۶ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته و تعداد کاربران زن تنباکو در این دوره از ۲۷۷ میلیون به ۱۶۶ میلیون نفر رسیده است. پیشرفت در میان مردان کندتر بوده است. بیش از ۴ نفر از هر ۵ کاربر تنباکو در جهان مرد هستند و شیوع مصرف در میان آنها در ۱۴ سال گذشته از ۴۱.۴ درصد به ۳۲.۵ درصد کاهش یافته است. این نرخ کند کاهش به این معناست که هدف کاهش ۳۰ درصدی تا سال ۲۰۳۱ محقق نخواهد شد.

روایت نقشه جغرافی

اروپا با ۲۴.۱ درصد بزرگسالان مصرف کننده تنباکو، بالاترین نرخ مصرف جهان را دارد و زنان اروپایی با ۱۷.۴ درصد، بالاترین شیوع مصرف در جهان را به خود اختصاص داده اند. در همین حال، منطقه غرب اقیانوس آرام با ۲۲.۹ درصد بزرگسالان مصرف کننده تنباکو، تغییر کندی داشته است. جنوب شرق آسیا شاهد کاهش چشمگیر مصرف سیگار بوده است. مصرف تنباکو در میان مردان این منطقه از ۷۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۲۴

کاهش یافته و بیش از نیمی از کاهش جهانی را به خود اختصاص داده است. آفریقا اکنون با ۹.۵ درصد، کمترین شیوع منطقه ای را دارد، اگرچه رشد جمعیت باعث افزایش تعداد کل کاربران شده است.

خطر در کمین است

پروفسور مایا-لیزا لوچن، متخصص ارشد قلب در بیمارستان دانشگاه شمال تروژ، در گفت و گو با یورونیوز هلث پس از سخنرانی در کنگره انجمن قلب و عروق اروپا در مادرید، اظهار داشت: «سیگارهای الکترونیکی تنها حدود ۱۵ سال است که در بازار هستند اما تاکنون بیش از ۱۵ هزار مقاله تحقیقاتی درباره آنها منتشر شده که حداقل هزار مقاله به اثرات بهداشتی آنها اختصاص دارد. اکنون می دانیم که این محصولات بی ضرر نیستند.» یک مقاله مهم در مجله پزشکی نیو اینگلند نیز که سال گذشته منتشر شد، نشان داد که وپیبینگ خطر سکتة مغزی را ۳۲ درصد افزایش می دهد. لوچن هشدار داد که با افزایش سریع وپیبینگ در میان جوانان «باید رنگ خطر را در سطح جهانی به صدا در آورد.» بر اساس یک نظرسنجی در ۳۷ کشور، حدود ۲۲ درصد از جوانان ۱۵ و ۱۶ ساله در اروپا اعلام کردند به طور منظم ویپ می کشند، در حالی که این رقم پنج سال پیش تنها ۱۴ درصد بود. باید بگوییم شروع وپیبینگ مانند پلی به سوی سیگار کشیدن واقعی است. صنعت تنباکو این را می داند و با طعم های شیرین و طراحی های جذاب، کودکان و نوجوانان را به طور تهاجمی هدف قرار می دهد. از سوی دیگر قیمت ویپ ها نسبت به سیگار بسیار ارزان تر و مقرون به صرفه تر است. یک ویپ یکبار مصرف که یک تا دو ماه برای مصرف کننده کار می کند، قیمتی حدود ۴ برابر یک پاکت سیگار دارد که برای مصرف چند روز عمر می کند. این اتفاق تصادفی نیست. این اپیدمی توسط صنعت نیکوتین هدایت و سازماندهی شده است و باید برای تقابل با آن تصمیمات جدی و سریع اتخاذ کرد.



دایان کیتون، بازیگر برجسته هالیوود و برنده اسکار برای فیلم «آنی هال»، در ۷۹ سالگی در کالیفرنیا در گذشت. خانواده او این خبر را تأیید کرده اند اما هنوز جزئیاتی درباره علت مرگ اعلام نشده است. کیتون، زاده ۵ ژانویه ۱۹۴۶ در لس آنجلس، کار خود را از تئاتر برادوی آغاز کرد و با نمایش «دوباره بنواز سم» نوشته وودی آلن به شهرت رسید. همکاری او با آلن در فیلم «آنی هال» (۱۹۷۷) جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را برایش به ارمغان آورد. او همچنین در فیلم های «منهتن» و «روزگار رادیو» با آلن همکاری کرد. نقش کیتون در سه گانه «پدر خوانده» به کارگردانی فرانسیس فورد کاپولا، او را به ستاره های جهانی تبدیل کرد. از دیگر فیلم های شاخص او می توان به پدر عروس، باشگاه همسران اول و باشگاه کتاب اشاره کرد. کیتون علاوه بر بازیگری، در کارگردانی نیز فعال بود و آثار ی چون مستند بهشت و فیلم قطع تماس را ساخت. او همچنین در نویسندگی و عکاسی فعالیت داشت و دو کتاب تصویری منتشر کرد. میراث کیتون در سینمای جهان و نقش های ماندگارش همچنان الهام بخش خواهد بود.



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



کیوسک



لیبراسیون فرانسه، عکس و تیتتر اصلی خود را به قایب از امانوئل مکرون اختصاص داد. مردی که همچنان مغفور راستگرایان است و این روزها مشهور چپگرایان نیز شده و دوران سختی را می گذراند.

فابینشال تایمز انگلیس در یکی از مطالب خود به پایان جنگ غزه و بازگشت ۵۰۰ هزار نفر به شهرهای شان و در خبری دیگر از آغاز جنگ تمام عیار تجاری بین آمریکا و چین خبر داد.



دعوت ایران به اجلاس شرم الشيخ مصر؛ فرصتی برای بازتنظیم سیاست خارجی در شرایط تحریم و بحران

روزنه دیپلماتیک



رسیده است افزون بر آن، هر گونه حضور در نشست که نمایندگان رژیم اسرائیل نیز در آن حضور دارند، عملاً با خطوط قرمز سیاست خارجی جمهوری اسلامی در تضاد است. با توجه به نکات مذکور، مولایی هم تصریح می کند که «این خطوط قرمز نه تنها در سطح سیاسی، بلکه در نشان سیاسی است که هر گونه تصویر یا دیدار، ولو به صورت غیر رسمی و اتفاقی هم می توانست به سرعت به ابزار فشار داخلی تبدیل شود.» از همین رو وی، «بدیهی می دانست که نهادهای تصمیم گیر در تهران، از شورای عالی امنیت ملی تا وزارت امور خارجه، رسک حضور در چنین صحنه ای را بپذیرند.» ضمن آنکه این مفسر حوزه سیاست خارجی متذکر می شود که «حتی اگر فرض کنیم حضور پزشکیشان در نشست به معنای گفت و گو یا دیدار مستقیم با ترامپ نباشد، نفس حضور در کنار هیئت اسرائیلی در یک اجلاس رسمی جهانی می توانست پیام سیاسی پیچیده ای مخابره کند؛ پیامی که از نگاه برخی تحلیلگران خارجی، نوعی پذیرش ضمنی آتش بس یا حتی مشارکت غیر مستقیم

روزنه ای که البته بسیاری آن را بیش از آنکه یک «فرصت واقعی» بدانند، یک «آزمون دشوار» برای سیاست خارجی ایران تلقی می کنند. بر اساس دیدگاه خوش بینانه، هر گونه تحرک دیپلماتیک در این سطح، حتی نمادین هم می تواند به کاهش فشارهای روانی و سیاسی بر تهران کمک کند و راهی برای گفت و گوهای غیر رسمی با برخی دولت ها بگشاید. به ویژه در شرایطی که ایران هم زمان با بحران های اقتصادی، بازگشت تحریم ها و انزوای سیاسی دست و پنجه نرم می کند، حضور در چنین اجلاسی دست کم می تواند نشانه ای از آمادگی ایران برای مشارکت در گفت و گوهای چند جانبه تلقی شود. اما مولایی برخلاف این خط تحلیلی، اذعان دارد که «سیاست خارجی جمهوری اسلامی پس از بازگشت قطعنامه ها عملاً در وضعیتی قرار گرفته که هیچ ابتکار مشخصی برای خروج از بن بست ندارد. همه مسیرهای محتمل، از مسیر مذاکرات اروپایی گرفته تا کانال های منطقه ای یا مسدود شده اند یا در دوران پساماشه کارکرد موثری ندارند. در نتیجه، حتی اگر ایران دعوت را می پذیرفت، معلوم نبود که این حضور بتواند دستاوردی فراتر از نمایش حضور در جمع کشورهای منطقه داشته باشد.»

تردبدها و خط قرمزهای سیاست خارجی ایران

در کنار آنچه گفته شد چالش اصلی تر آنجاست که ماهیت اجلاس شرم الشيخ و ترکیب شرکت کنندگان آن، (به ویژه حضور دونالد ترامپ و احتمال حضور مقامات اسرائیلی)، حضور رئیس جمهور ایران را با پرسش های جدی مواجه کرده بود و احتمال سفر پزشکیشان تقریباً نزدیک به صفر شد. چرا که روابط جمهوری اسلامی ایران با دولت ترامپ از زمان خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و به خصوص جنگ دوازده روزه خردادماه تاکنون به نقطه ای از تنش و بی اعتمادی مطلق

چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران بیش از آنکه کششگر فعال در طراحی معادلات جدید منطقه ای باشد، به آکنشگر تحولات خارجی تبدیل شده است. در همین راستا یوسف مولایی طی گفت و گو با «هفت صبح» معتقد است که «تهران در وضعیت کنونی، نه ابتکار سیاسی برای گشودن مسیر جدید در مذاکرات دارد و نه ظرفیت لازم برای استفاده از فرصت های بین المللی را به طور کامل فعال کرده است.» به گفته او، «در واقع پس از شکست روندهای دیپلماتیک در هفته های اخیر، انجماد روابط با اروپا و تشدید فشارهای تحریمی، دستگاه دیپلماسی ایران در حالت «انتظار» قرار گرفته است.» انتظار که از منظر این تحلیلگر حوزه بین الملل «برای تغییر معادلات جهانی یا منطقه ای که بتواند زمینه ای تازه برای بازگشت به گفت و گوها ایجاد کند.» در این میان، دعوت از مسعود پزشکیان به اجلاس شرم الشيخ را می توان نخستین نشانه از باز شدن روزنه ای کوچک در میان دیوار ضخیم انزوا دانست.



در روند صلح تحت رهبری آمریکا تعبیر خواهد شد و این، عملاً عبور از خطوط قرمز راهبردی ایران است.» در مقابل آنچه مولایی تحلیل کرده، هادواران نگاه عملگرایانه معتقدند که اگر ایران این دعوت را قبول می کرد شاید معادلات به شکل دیگری رقم می خورد. چون جهان سیاست عرصه قطعیت های دائمی نیست و گاهی صرف حضور می تواند به معنای حفظ جایگاه در معادلات جدید باشد، نه لزوماً پذیرش شرایط دیگران. با این حال، در وضعیت کنونی که روابط ایران با غرب، به ویژه پس از بازگشت تحریم ها، به پایین ترین سطح ممکن رسیده، لذا تصور می شد که نهادهای تصمیم گیر در تهران این دعوت را نپذیرند.

ضرورت بازتنظیم معادلات تهران و

نقش هوشمندی دیپلماتیک

با وجود همه این تردیدها و بدیه ها، آنکه ایران حاضر به حضور در اجلاس مصر نشد، تهران نیازمند بازتنظیم معادلات سیاست خارجی خود است؛ چه در قبال قدرت های جهانی و چه در سطح منطقه ای. اکنون که شرایط خاورمیانه پس از جنگ غزه به سرعت در حال تغییر است و بازیگران عربی مانند مصر، عربستان و اردن تلاش دارند نقش خود را در بازسازی نظم منطقه ای تثبیت کنند، عقب ماندن ایران از این روند می تواند هزینه ساز باشد. تهران باید با استفاده از هوشمندی دیپلماتیک، راهی برای حضور غیر مستقیم و تاثیرگذار در روندهای جدید صلح و ثبات بیابد، حتی اگر در قالب اجلاس شرم الشيخ نباشد. این مسئله بیش از هر زمان دیگر اهمیت دارد، زیرا گسل احتمالی میان تهران و بیروت و تحولات در رهبری حزب الله لبنان نیز می تواند به پیچیدگی معادلات منطقه ای بیفزاید. ایران در سال های اخیر نشان داده که در بزنگاه های حساس، می تواند با اتخاذ رویکردی چندلایه، مانع از انزوای کامل خود در منطقه شود. سفرهای مکرر چهره های چون علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، به کشورهای منطقه، بیانگر تداوم اهمیت سیاست منطقه ای برای تهران است. با این حال، سیاست خارجی امروز ایران بیش از هر چیز نیازمند ابتکار است، نه انفعال. به نظر می رسد دستگاه دیپلماسی کشور اکنون باید تصمیمی اساسی بگیرد؛ یا همچنان در حاشیه معادلات جهانی بماند، یا با طراحی چارچوبی جدید، از درون محدودیت ها راهی برای بازگشت به عرصه تصمیم سازی جهانی بیابد.



گفت و گوبانادر فلاح به بهانه اجرای «ببر سفید بنگال در باغ وحش بغداد»

تئاتر فقط سرگرمی نیست

تئاتر باید کاری کند که وقتی تماشاگر از سالن بیرون می آید، دیگر همان آدم قبلی نباشد



حمید بهشتی
هفت صبح

نادر فلاح، بازیگر شناخته شده سینما و تئاتر و کارگردان باسابقه حوزه نمایش، این روزها با کارگردانی جدیدترین اثر خود، «ببر سفید بنگال در باغ وحش بغداد»، به سالن ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر بازگشته است. به بهانه این اجرای متفاوت و بحث برانگیز که نقدی تلخ بر جنگ و تبعات آن است، با این هنرمند گپ زدیم. فلاح بی پرده از دغدغه هایش در انتخاب متن، چالش های تئاتر امروز و آسیب های خصوصی سازی این هنر می گوید.

معتقد است تعدادشان هنوز هم کم است و مهم تر از آن، سیاست فرهنگی کشور نسبت به تئاتر اشتباه است؛ «به نظر من هنوز تئاتر برای سیاست گذاران فرهنگی یک ضرورت نیست، یک سرگرمی سطحی است. اگر جدی گرفته می شد باید سالن های بیشتری ساخته می شد، حمایت می کردند، تبلیغ می کردند، ولی این اتفاق نیفتاده. تعریف فرهنگ در ذهن خیلی ها با تعریف ما متفاوت است. از نظر بعضی مسئولان فقط فعالیت های مذهبی فرهنگی محسوب می شود و تئاتر اجتماعی یا اندیشمند جایگاهی ندارد.»

او با تلخی ادامه می دهد: «در دانشگاه ها هم رشته های هنر کم می آید، تشکیلات صنفی قدرتی ندارند و بعضی از مدیران صنف ها دنبال منافع شخصی اند. حتی شنیده ام در بعضی خانه های صنفی، یک طبقه را داده اند به یک آقای پیشکسوت برای خودش دفتر شخصی داشته باشد! این یعنی ما هنوز راه درازی داریم تا هنر و تئاتر جدی گرفته شود.»

فلاح در عین انتقاد، امیدش را از دست نداده: «امیدوارم روزی برسد که دوباره کسانی مثل بهرام بیضایی یا محمد یعقوبی و هنرمندان نسل های گذشته که تئاتر فکری و انسانی می ساختند، بتوانند کار کنند و حمایت شوند. ما نیاز داریم به بازگشت تئاتر خردمند، نه تئاتر مصرفی.»

ببر سفید: تلخ اما انسانی

در پایان گفت و گو، فلاح درباره مضمون نمایش توضیح بیشتری می دهد: «ببر سفید بنگال در باغ وحش بغداد براساس نمایشنامه ای است که نامزد جایزه پولیتزر بوده. نویسنده اش راجیو جوهر است. او به موضوعی که به قلمش می خورد، با حساسیت و دقت نظر پرداخته و به خوبی توانسته است که به مخاطب خود بفهماند که چرا این موضوع برای او مهم است.»

نگاهی از جنس مهربانی

محمد کاسبی در همه سال های فعالیتش، از تلویزیون تا تئاتر، تصویر مردی از نسل ایمان و اصالت بود. مردی که دور از هیاهوی شهرت، کار کرد، خندید، گریست و دل های بسیاری را گرم کرد. نسل های مختلف او را در نقش پدر، همسایه، کارمند یا رفیق مهربانی به یاد می آورند که انگار بخشی از خانواده شان بود. اکنون با رفتنش، سکوتی آرام در حافظه جمعی ما نشست است. در روزگاری که چهره ها زود می آیند و زود می روند، نام محمد کاسبی در خاطر مردم ماندگار خواهد بود. او بازیگر بود، اما پیش از آن، انسانی شریف و نجیب بود که به تصویر، معنا بخشید.



بدرود با لبخندی صمیمی

محمد کاسبی رفت، اما چهره اش از قاب ذهن ها پاک نخواهد شد. او یادآور دوران طلایی تلویزیونی بود که از دل مردم برمی خاست و با مردم زندگی می کرد. حضورش در هر نقش یادآور مهربانی و صداقت بود؛ همان چیزی که این روزها بیش از هر کس دیگری در جامعه ما کم شده است. در حافظه سینمای ایران، او همان مرد مهربانی است که در سکوت رفت اما رد قدمش تا همیشه بر خاک این سرزمین باقی ماند.

آسیب پذیر است در جهانی بی رحم.»

نمایشنامه ای «راحت الحلقوم» نیست

فلاح تأکید می کند که متن جوزف اگر چه پیچیده است اما قابل فهم برای همه تماشاگران است؛ «نمایشنامه سخت نیست اما برای ذهنی که به قصه های سرراست عادت کرده، شاید کمی دشوار به نظر برسد. این نمایش فلسفی است، با مفاهمی درباره خشونت، جنگ، رابطه انسان و خدا، جبر جغرافیایی و... من اسم بعضی از تئاتر ها را گذاشته ام «تئاتر های راحت الحلقوم»؛ نمایش هایی که تماشاگر می نشیند، قصه را دنبال می کند، سرگرم می شود و می رود. ببر سفید بنگال از آن جنس نیست. این نمایش تماشاگر را به فکر و گفت و گو دعوت می کند، نه به مصرف سریع لذت.»

تئاتر و سلبریتی ها؛ عبور از دوران گذار

در بخشی از گفت و گو، بحث به وضعیت این روزهای تئاتر می رسد و استفاده از چهره ها، بلاگرها و خوانندگان پاپ در نمایش ها. فلاح با لحنی صریح می گوید: «الان خیلی ها برای پر کردن سالن سراغ سلبریتی ها یا بلاگرها می روند. من نقد تند به آن ندارم، چون این یک دوره گذار است اما به نظرم یک آفت است. تئاتر اساساً پدیده ای عامه پسند نیست. وقتی گفتند «تئاتر برای همه»، نتیجه اش شد تئاتر هایی که فقط دنبال فروش اند. از چهره ها و شوخی ها و موسیقی استفاده می کنند تا هزینه ها را دریاورند. چون دولت دیگر سوبسید نمی دهد و تئاتر خصوصی باید خودش هزینه هایش را تأمین کند.»

او البته امیدوار است این مرحله گذرا باشد: «به هر حال تئاتر مثل هر پدیده ای در مسیر تکاملش گاهی دچار افول می شود. شاید بعد از این، همان تماشاگر عام هم سخت گیر تر شود، از تئاتر اندیشه و ضرورت بخواهد، نه فقط سرگرمی. تئاتر همیشه یک نیاز عمیق انسانی بوده، از یونان باستان تا امروز. امیدوارم دولت هم دوباره ضرورتش را درک کند و از تئاتر اندیشمند حمایت کند.»

«تماشاگر» یا «فالوئر»؟

فلاح از اصطلاح جالبی که یکی از همکارانش گفته لیخند می زند: «یک دوستی گفته بود این ها تماشاگر نیستند، فالوئرند. خیلی درست گفته. وقتی کسی فقط برای دیدن یک بلاگر یا خواننده می آید، دیگر تماشاگر تئاتر نیست، فالوئر است. برای تئاتر غم انگیز است. من هم می توانم از بلاگر استفاده کنم تا سالن پر شود، ولی سوال این است که بعدش چه؟ اگر آن فالوئر ها بعد از دیدن نمایش، در کسان از تئاتر عمیق تر شود، بد نیست. شاید بعداً تبدیل شوند به مخاطب جدی تئاتر. اما اوای به روزی که سطح خود تئاتر از سطح بلاگر پایین تر بیاید. آن وقت فاجعه است.»

او به واقعیت اقتصادی هم اشاره می کند: «من برای همین نمایش حدود پانصد، ششصد میلیون تومان هزینه کرده ام اما سالن گاهی خالی است. خب خیلی ها می گویند برو بلاگر بیاور! اما من معتقدم تماشاگر باید از سالن بیرون برود در حالی که چیزی به او اضافه شده، نه اینکه از قبلش هم سطحی تر بشود.»

تئاتر خصوصی؛ کمیت یا کیفیت؟

بحث بعدی درباره گسترش سالن های خصوصی است. فلاح



چهره ای که به قاب ها معنا می داد

محمد کاسبی از آن بازیگرانی بود که هر نقشی را با روح زندگی پر می کرد. چهره اش آمیخته از صداقت و آرامش بود؛ نگاهی که از عشق تجربه و مردم داری می آمد. در «خوش رکاب» با نقش راننده ای لجباز اما دوست داشتنی، هم خنداند و هم اشک در چشم هار نشاناند. در ادامه آن، «خوش غیرت»، چهره تازه ای از تحول و ایمان را به تصویر کشید. در سریال «ساحیدلان» مقابل حسین محبوب، دو برادر را در مسیر متفاوت ایمان و تردید مجسم کرد و با ظرافتی تحسین برانگیز از پس نقش جلیل برآمد. در «سه در چهار» شوخ طبعی و گرمای خانواده را زنده کرد و در «لطفا دور نزنیم»، چهره پدری مهربان و سنتی را نشان داد که زندگی را با لبخند می فهمد. آخرین نقش درخشانش در «سر دلبران» بود؛ جایی که به نقش خادم مسجدی قدیمی جان بخشید و تصویری از نسل مومن و خاکی ایران را پیش چشم آورد.

در سپینما نیز حضورش پررنگ و ماندگار است. بازی در خشان او در فیلم «پدر» ساخته مجید مجیدی برایش سیمرغ بلورین نقش اول مرد را به ارمان آورد. محمد کاسبی در هر نقشی اثری از انسانیت می گذاشت؛ مردی از جنس مردم که در قاب تلویزیون و پرده سینما، صداقت را به تصویر بدل کرد و به ما یاد داد چطور می شود با آرامش، صادق و شریف زیست.

مردی بی حاشیه، با قلبی روشن

محمد کاسبی از آن دست هنرمندانی بود که آرام و بی ادعا زیست. هرگز دنبال شهرت و غوغا نرفت. دوستان و همکارانش از تواضع و متانتش گفته اند؛ از مردی که لبخندش در پشت صحنه همان قدر صادق بود که در برابر دوربین. در روزهای بیماری هم لبخندش کم نشد. تصویری که چندی پیش از او منتشر شد، در کنار جواد عزتی و عباس جمشیدی فر، گویی صحنه ای از انتقال عشق و احترام میان نسل ها بود.

او در زندگی شخصی نیز همین گونه بود: پدری مهربان،



از جنگ تا ببر سفید

فلاح درباره چگونگی انتخاب این نمایشنامه می گوید: «من همیشه وقتی می خواهم تئاتر کار کنم، اول به شرایط اجتماعی نگاه می کنم؛ به وضع خودمان و آنچه حس می کنم ضرورت دارد که درباره اش اجرا داشته باشیم. جنگ همیشه مسئله انسان بوده و هست؛ ما هنوز زیر سایه تهدید جنگ زندگی می کنیم، هنوز ترس آغاز یک درگیری تازه هست. بعد از تجربه جنگ ۱۲ روزه هم، احساس کردم باید سراغ متنی بروم که از تبعات جنگ حرف بزند. تا اینکه اتفاقی با نمایشنامه ببر بنگال در باغ وحش بغداد نوشته راجیو جوهر روبه رو شدم. خواندم و خیلی زود با آن ارتباط گرفتم.» او از همکاری مترجم اثر یاد می کند: «با خاتم سمیه نصرالهی تماس گرفتم و ایشان با بزرگمنشی اجازه دادند ترجمه شان را به صحنه ببریم. به این ترتیب، این نمایشنامه انتخاب شد و حالا در سالن ناظرزاده ایرانشهر روی صحنه است.»

تئاتری میان واقعیت و ذهن

نمایش فلاح را نمی توان در چارچوب های کلاسیک تعریف کرد. خودش می گوید: «من هیچ وقت خودم را مقید به اسم ها نمی دانم، ولی این تئاتر در قالب تئاتر کلاسیک جای نمی گیرد. اینجا خبری از آن درام با مقدمه، نقطه اوج و نتیجه گیری مشخص نیست. این اثر تلفیقی از سبک های مختلف است که جهان های ذهنی و عینی را در کنار هم قرار می دهد. شاید بتوان آن را در حوزه پست مدرن تعریف کرد. لحظاتی را می بینیم که در بستر رئالیسم و دیالوگ های روزمره پیش می روند و لحظاتی دیگر به سمت سورئالیسم و فضای جادویی ذهن می رود. آنچه مهم است، این است که این سبک ها در خدمت محتوا و ضرورت دراماتیک قرار گرفته اند.»

کار با نمایشنامه خارجی یا ایرانی؟

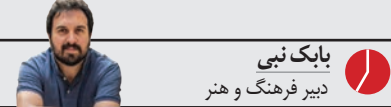
فلاح، کارگردانی است که اغلب سراغ نمایشنامه های ایرانی رفته اما این بار وسوسه متن خارجی او را به سمت دیگری کشاند: «بیشتر تمایلم به نمایشنامه های ایرانی است. کابوس های آنکه باغ وحش بغداد آنقدر برایم جذاب بود که خواستم تجربه کنم کار کردن با نمایشنامه ای غیر ایرانی چه تفاوتی دارد. ضمن اینکه قصه اش در بغداد می گذرد، در جغرافیایی نزدیک به ما، با اسامی و اتفاقاتی آشنا. موضوع هم جنگ است، چیزی که در منطقه ما همیشه جاری بوده.» او در ادامه نکته جالبی درباره عنوان نمایش اضافه می کند:

«من اسم نمایش را عوض کردم و گذاشتم ببر سفید بنگال در باغ وحش بغداد. چون ببرهای سفید در طبیعت نمی توانند خودشان را استتار کنند، زودتر شکار می شوند و نسل شان در خطر انقراض است. در حالی که ببرهای زرد راحت تر زنده می مانند. این استعاره برایم مهم بود؛ ببر سفید نماد موجودی

موج نواز بازخوانی ترانه های قدیمی در موسیقی ایران

بازخوانی یا بازگشت؟

نسل تازه با کاور کردن آثار ماندگار گذشته، میان نوستالژی و خلاقیت راهی تازه یافته است بازسازی احساس در عصر دیجیتال



بابک نابی
دبیر فرهنگ و هنر

«اگر این ترانه امروز گفته می شد، چه رنگی داشت؟» همین جاست که بازخوانی از سطح «نوستالژی» فراتر می رود و به یک بیانیه فرهنگی بدل می شود. البته، خطر سوءاستفاده هم هست. بسیاری از این کاورها، بدون اجازه صاحبان اثر یا وارثان هنرمندان ساخته می شوند و گاه با تنظیم هایی شتاب زده، روح اصلی اثر را از بین می برند. برخی گلدون من «غانم، این روزها بازخوانی ترانه های گذشته در پلتفرم های موسیقی، از هر ترانه تازه ای بیشتر شنیده می شود. گویی نسل امروز، در میان هزاران صدای ناکوک و ناملموس، دنبال صدایی می گردد که از جایی آشنا بیاید. در شبکه های اجتماعی، جوانانی را می بینیم که در اتاق های خانگی شان با میکروفن های ارزان، قطعات قدیمی را کاور می کنند؛ گاهی ساده و خام، گاهی خلاقانه و امروزی. ویدئوها میلیون ها بار دیده می شود، بی آن که مجوز رسمی یا تبلیغ حرفه ای داشته باشد. یک صدای تازه، با خواش متفاوت از «سوغاتی» می تواند در یک شب در فضای مجازی پترکد و صبح روز بعد در خیابان ها شنیده شود. اما این بازگشت فقط از سر دلنگی نیست. در زیر پوست این موج، نوعی اعتراض پنهان هم نهفته است: اعتراض به بی هویتی موسیقی روز. مخاطب، در میان ترانه های فوری و تکراری، دوباره دنبال «کلمه» می گردد، دنبال احساس اصیل و به گذشته بازمی گردد تا چیزی را پیدا کند که در امروز گم شده است. بازخوانی، اگر درست انجام نشود، فقط تقلید نیست؛ گفت و گویی میان نسل هاست. وقتی خواننده ای جوان قطعه ای از هایدو را با تنظیم مینیمال و گیتار آکوستیک می خواند، در واقع دارد از نو معنا می کند؛ دارد می پرسد: خود را تعریف می کند؛ با زبانی قدیمی، اما نگاهی تازه.

بازخوانی، اگر درست انجام نشود، فقط تقلید نیست؛ گفت و گویی میان نسل هاست. وقتی خواننده ای جوان قطعه ای از هایدو را با تنظیم مینیمال و گیتار آکوستیک می خواند، در واقع دارد از نو معنا می کند؛ دارد می پرسد: خود را تعریف می کند؛ با زبانی قدیمی، اما نگاهی تازه.



حدیث ملاحسینی

هفت صبح

اقدام به خودکشی یکی از مهم‌ترین و در عین حال نگران‌کننده‌ترین مسائلی است که ابعاد فردی، روانی، اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد. در این اقدام، یکی از محترم‌ترین و ارزشمندترین دارایی‌های انسانی که همانا جان اوست به خطر می‌افتد، جانی که فقط یک بار به او بخشیده شده است.

گاهی افراد با وجود آن که می‌دانند فرصت زیستن در این کره خاکی شانس است که یک بار در خانه‌شان را زده، اما به دلایل مختلفی تصمیم می‌گیرند که حق حیات را از خود سلب کنند. دلایلی همچون فشارهای خانوادگی، تحصیلی، شغلی، بیکاری و یا بیماری‌های روانی مثل افسردگی و اضطراب از جمله این دلایل هستند که ممکن است طاق‌ت افراد را طاق کند و نبودن را بر بودن ترجیح دهند.

براساس گفته‌های حمید پیروی، نایب رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی، آمار خودکشی در جامعه ایران رو به افزایش است و حدود ۸/۹ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دست به خودکشی می‌زنند. واضح است که این آمار زنگ خطری است که تا دیر نشده باید به آن توجه شود. اکنون در این گزارش با چند تن از افرادی که تجربه اقدام به خودکشی داشتند اما در نهایت به زندگی آری گفتند و به مسیری رفتند تا بتوانند غم خود را به کار بزرگی تبدیل کنند به گفت‌وگو نشستیم.

روایت دو خودکشی‌بی‌سرانجام

فرزند دوم پدر و مادرش بود و کم‌کم خانواده‌ه‌شان بر جمعیت تر می‌شد. چهار برادر دیگر به جمع‌شان اضافه شد و همین مسئله باعث شد که او بیش از پیش از کانون توجهات دور شود و مورد کم‌لطفی قرار بگیرد. روحیه حساس «مرتضی» این بی‌توجهی‌ها را تاب نیاورد و دچار کمبود محبت شد. او که به گفته خودش از طبقه فرودست جامعه برخاسته بود، در سن ۲۱ سالگی در دام افسردگی افتاد و به روان‌پزشک مراجعه کرد و چند صبحایی را با داروهای ضدافسردگی گذرانند. اما این داروها چندان افاقه نکردند و روح زخم خورده و بی‌قرار مرتضی به دنبال یک مامن و پناهگاه دیگری می‌گشت؛ پناهگاهی از جنس رابطه عاطفی با یک جنس مخالف تا بتواند با چشیدن طعم عشق و دوست داشتن کوله‌بار درد‌هایش را اندکی سبک کند. این مسئله اما رنجی را به رنج‌هایش اضافه کرد، چرا که برای جامعه ایران در دهه هفتاد و خانواده او این نوع روابط به هیچ عنوان قابل پذیرش نبود. در نتیجه مرتضی بابت یک ارتباط عاشقانه از جانب پدرش به‌شدت تنبیه و از خانه برای مدتی طرد شد. در این نقطه بود که او تصمیم گرفت به زندگی‌اش پایان دهد، اما در لحظه اقدام از این تصمیم منصرف شد: «سال ۱۳۷۶ بود. من خودم را به بیابان‌های اطراف تهران رساندم... تا آمدن تیغ را بر روی شاهرگم بکشم ناگهان صدای سگ‌های ولگرد را شنیدم... با خودم گفتم اگر من خودکشی کنم و سگ‌ها بدن مرا تکه تکه پاره کنند و ردی از من نماند که فایده‌ای ندارد. این طوری اثر تبلیغاتی خودکشی‌ام از بین می‌رود. من می‌خواستم همه بفهمند که خودکشی کرده‌ام و برایم گریه و زاری

کنند و به دنبالم بیایند.»

چند سال پس از این واقعه، فراز و نشیب‌های زندگی مرتضی را برای بار دوم به این سمت سوق داد که باید به زندگی بوج و سراسر مشقتش پایان دهد. کار کردن در یک محیط سمی، عدم امکان ادامه تحصیل به‌دلیل بی‌پولی، شکست عشقی و فرو رفتن هر چه بیشتر در مرداب افسردگی هر کدام قطره‌ای بودند که رفته رفته کاسه و جودش را لبریز کردند. در نهایت، در زمستان سال ۱۳۸۰ مرتضی به بالای کوه رحمت، مشرف به تخت جمشید رفت تا به زندگی‌اش پایان دهد: «صد قرص دبازپام را در آب حل کردم و خوردم و دیگر نفهمیدم چه شد... من سه شبانه روز بالای کوه به خوابی عمیق فرو رفتم. وقتی بیدار شدم تعجب کردم که چرا هنوز زنده هستم. همان جا خدا را شکر کردم و تلوتلو خوران به پایین کوه آمدم و خودم را به شهر رساندم و به مسجدی پناهانده شدم. پس از چند ساعت هم برادرم به دنبالم آمد»

مرتضی بعد از دومین اقدامش دیگر هرگز به خودکشی فکر نکرد. او هم اکنون که ۵۴ سال دارد دنیا و حیات را با وجود همه ناملایمات و کاستی‌هایش زیبا و باارزش می‌داند: «وقتی از خودکشی جان سالم به در بردم خیلی خوشحال بودم. من افسرده بودم و برای جلب توجه و ترحم دست به این کار زدم، اما بعد از آن اتفاق قدر زندگی را می‌دانم و دو دستی به آن می‌چسبم.»

وقتی فشار تحصیل تا مرز خودکشی می‌برد

«شکوه» در عنوان نوجوانی اقدام به خودکشی کرد. او که از قشر مرفه جامعه است به اعتقاد خودش از همان دوران با افسردگی دست و پنجه نرم می‌کرد. در مقطع راهنمایی بود که به اجبار و خواست خانواده‌اش وارد یک مدرسه سختگیر و سطح بالا شد. مدرسه‌ای که در آن افت تحصیلی بدی پیدا کرد و جو پر فشار و رقابتی حاکم بر آن آماشن را برید. همین مسئله منجر به این شد که علاوه بر یک بار اقدام به خودکشی، چندین بار هم به خودش آسیب بزند: «در مدرسه گروهی از بچه‌ها که محبوب و درس‌خوان بودند به من قلدری می‌کردند. کادر مدرسه هم به من فشار می‌آورد که چرا نمراتم پایین است و اگر اینطور باشد دیگر ثبت نامم نمی‌کنند. همه این‌ها باعث شد که خانواده‌ام هم به من فشار بیاورد. دیگر از یک جایی به بعد واقعا نمی‌توانستم فشارها را تحمل کنم.»

شکوه وقتی تلاش کرد که خودش را به ورطه نابودی بکشانند، ناگهان ترس از مرگ گریباننش را گرفت و مضطرب شد: «لحظه‌ای که قرص‌ها را خوردم خیلی ترسیده بودم و نگران بودم که نکنم بمیرم.» او که در حال حاضر یک زن ۳۳ ساله است، کماکان افکار خودکشی به ذهنش هجوم می‌آورند. اما اکنون به کمک روان‌درمانی و دارودرمانی و متوسل شدن به چیزهای ارزشمند و آدم‌های امن زندگی‌اش خودش را از شر این افکار نجات می‌دهد: «زندگی هنوز یک چیزهایی به من به‌کار است. الان وقت مردن نیست، همچنان باید بمانم و برای چیزهایی که برایم ارزشمند هستند بجنگم. کارهای ارزشمندی مثل کمک به بچه‌ها و ساختن آینده‌ای امن برای آنها، من را به زندگی امیدوار می‌کنند.»

فروپاشی آرام‌پیوندها

مجید فولادیان، جامعه‌شناس: خودکشی پدیده‌ای چندعاملی است و در هر هر طبقه اجتماعی ریشه‌های متفاوت اقتصادی، فرهنگی و ارزشی دارد

از کسانی که تالبه مرگ رفتند، اما زنده‌گی را دوباره برگزیدند

تحلیل جامعه‌شناختی پدیده خودکشی در ایران و چهار روایت

پسر تنهای روی پل: نجات یافته‌ای که حالا نجات می‌دهد

«احساس می‌کردم در این جهان غریبه هستم. آقای مدیر، معاون و برخی معلمان مدرسه برچسب عجیب بودن را به من می‌زدند. گاهی هم به من می‌گفتند خنگ چون در درس ریاضی ضعیف بودم.» اینها گفته‌های «آرمان» پسر ۲۳ ساله‌ای است که در ایام نوجوانی چندین بار تلاش کرده بود که خود را به اشکال مختلف از بین ببرد. آرمان علاوه بر این که از سیستم نرندان‌گونه مدرسه آسیب دید و ذهن خلاق و خیال‌پردازش سرکوب شد، در محیط خانواده هم شاهد کشمکش‌ها و مجادله‌های بین پدر و برادر بزرگ‌ترش بود که روان او را می‌خراشید. مجادله‌هایی که به گفته خودش از جنس تضاد بین جهان سنت و مدرنیته بود و جو خانواده را متشنج می‌کرد. برادرش در پی آن بود که دنیا و سبک زندگی جدیدی را تجربه کند و این مسئله برای پدرش که به سنت‌ها پایبندی زیادی داشت قابل هضم نبود. موضوع غریج دیگری که آرمان را آزار می‌داد، تنهایی و نادیده گرفته شدن بود. پدر او بنا به اقتضای غلغلش به سفرهای زیادی می‌رفت و مادرش هم سخت سرگرم کار خود بود. برادر بزرگ‌ترش هم چندان توجهی به وی نشان نمی‌داد و غرق شدن در دغدغه‌های شخصی‌اش را ترجیح می‌داد. این نمایی از یک خانواده طبقه متوسط ایرانی است و در این میان، آرمان که دوستی پیدا نمی‌کرد و بسیاری از اطرافیان به گفته خودش از او فرار می‌کردند، آرام آرام در لاک تنهایی خود فرو رفت و به تخیلاتش پناه برد: «دنیای من سینما و کتاب شد و شروع کردم به ارتباط گرفتن با یک موجود خیالی. افسرده شده بودم. به روزهایی فکر می‌کردم که می‌توانسم خودم را ابراز کنم. اما به کی خودم را ابراز کنم؟ من واقعا کسی را نداشتم.» آرمان از یک جایی به بعد متوجه شد که بهترین راه برای جلب توجه کردن، آسیب زدن به خود است و همین کار برایش یک ماموریت هفگی شده بود: «فتم بالای ایوان و بدجور افتادم پایین و دستم آسیب دید. دستم درد می‌کرد، اما نه آنقدرها... شروع کردم به تمارض کردن. یک آن دیدم که همه دور من جمع شده‌اند. آنجا گر به‌ام گرفت و احساس پیروزی کردم.»

اما یکی از دفعاتی که آرمان تلاش کرد خودکشی کند، یک پاکبان، فرشته نجات او شد: «روی پل هوایی ایستاده بودم و چشمانم را بسته بودم. می‌خواستم در یک لحظه خودم را به پایین پرت کنم که ناگهان یک پاکبان شانه‌ام را گرفت و به عقب کشید.»

اکنون آرمان از این که بهترین روزهای زندگی‌اش را در فکر و خیال نابود کردن خود به سر می‌برده ابراز پشیمانی می‌کند. او در حال حاضر سنگ‌های محکم‌تری را در برابر این وسوسه برای خود ساخته است. سنگ‌هایی مثل نویسنده‌گی، نقش آفرینی در تئاتر و شنیدن و مهرورزیدن به کسانی که قصد آسیب زدن به خود را دارند: «تصمیم گرفتم به جای آن که به خودم آسیب بزنم، ببینم چه کسی می‌خواهد به خودش آسیب بزند تا خودم را با او تقسیم کنم و به کمکش بروم.»

خودکشی، کنشی برای دیده شدن در جامعه‌ای که نمی‌خواهد ببیند

مجید فولادیان، جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه، به این باور است که مسئله خودکشی مثل هر پدیده اجتماعی دیگر تک عاملی نیست و چندین علت در پشت آن نهفته است. این پدیده در بین همه طبقات اجتماعی اعم از فرودست،

متوسط و فرادست دیده می‌شود. اما عواملی که باعث خودکشی در هر یک از این طبقات می‌شود متفاوت است: «در طبقات فرودست جامعه، فشارها و بحران‌های اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی در سوق دادن افراد به سمت خودکشی تعیین‌کننده‌اند. درحالی که علل خودکشی در طبقه متوسط شامل مسائلی مثل بحران اعتماد اجتماعی، فروپاشی شبکه‌های حمایتی سنتی و نظام‌های قدیمی مثل خانواده، در صورتی که هیچ چیز جدیدی جایشان را نمی‌گیرد، هستند.» این جامعه‌شناس معتقد است که مسئله افسردگی یک امر صرفاً فردی نیست و باید آن را در بستر ساختار اجتماعی مطالعه کنیم. بنابراین، بسیاری از افسردگی‌ها نشانه‌های روانی شرایط اجتماعی نامطلوب هستند: «افسردگی یک نشانه فرسایش اجتماعی و نهادی است و همین نشان می‌دهد که اگر شرایط اجتماعی تغییر کند، میزان افسردگی هم کم می‌شود و به دنبال آن هم میزان خودکشی کاهش پیدا می‌کند.»

فولادیان بر این نکته تأکید می‌کند که اقدام خودکشی و آسیب به خود به منظور جلب توجه و دیده شدن مسئله‌ای است که به‌هیچ عنوان نباید آن را کم‌اهمیت تلقی کرد و باید آن را جدی گرفت. چرا که آن کسی که یک بار این مسیر را می‌رود، راه برایش هموار می‌شود. از این نظر که می‌تواند در دفعات بعدی این اقدام را به شکل جدی‌تر و خطرناک‌تری انجام دهد. به همین جهت، این مسئله نشانه یک بحران ارتباط اجتماعی و یک شکاف عمیق بین فرد و جامعه است. حالا آن جامعه می‌تواند نهاد خانواده، مدرسه، گروه‌های دوستی و غیره باشد. در چنین شرایطی فرد نمی‌تواند با جامعه ارتباط بگیرد و احساس تنها بودن و تک افتادگی می‌کند. در نتیجه اقدام به خودکشی تبدیل به کنشی برای دیده شدن می‌شود: «فرد احساس می‌کند هیچ راه مشروعی برای آن که صدایش را به دیگران برساند ندارد. پس دست به یک عمل تند و سخت می‌زند و جان خودش را به خطر می‌اندازد تا اعلام وجود بکند. اما صدایش به گوش کسی نمی‌رسد.»

وی درباره تقاطع سنت و مدرنیته در خانواده‌ها گفت: «گاهی اوقات اقدام به خودکشی ناشی از فشارهای ساختاری و تضادهای ارزشی است که نوجوانان و جوانان در آن گیر می‌کنند و به این طریق سعی می‌کنند خودشان را از این محصمه خارج کنند. بنابراین، خانواده اگر از کار کرد سنتی خود که همان نظارت و کنترل است و بیشتر رنگ و بوی سرکوب دارد به سمت گفت‌وگو، تفاهم و درک متقابل حرکت کنند، در آینده با خطرات و آسیب‌های بیشتری هم مواجه هستیم.»

در آخر، این مدرس دانشگاه خاطر نشان کرد که ساختار مدرسه به اشکال و انحای مختلف می‌تواند باعث اقدام به خودکشی در دانش‌آموزان بشود: «در بین مدارس نوعی آرمانی‌سازی موفقیت از کانال درس خواندن ترویج می‌شود که البته بیش از مدارس، از طرف خانواده‌ها استقبال می‌شود و مدارس سوار بر این موج می‌شوند. همچنین در بسیاری از مدارس از جمله مدارس تیزهوشان، جو رقابتی شدیدی حاکم است که باعث سرکوب کودک و نوجوان می‌شود و همین سرکوب، انگیزه‌ای برای اقدام به خودکشی است. مسئله دیگری که وجود دارد این است که جامعه آقق‌های اقتصادی‌اش را از دست داده و نوجوان می‌بیند که امید چندانی به آینده جامعه نیست و در نتیجه موفقیت از راه تحصیل را معتبر نمی‌داند.»

گزارش

چرا سلامت دهان در سیاست‌های درمانی جایی ندارد؟

دندان درد ملی

بیماری‌های دهان و دندان در ایران به‌دلیل گرانی، نبود بیمه‌های حمایتی و ناآگاهی عمومی از پیشگیری افزایش یافته است

حمیدرضا خالدی

هفت صبح

درحالی‌که این روزها صدا و سیما و شبکه‌های مجازی پر شده‌اند از انواع تبلیغات در مورد مدرن‌ترین روش‌های درمانی بیماری‌های دهان و دندان، بخش عمده‌ای از شهروندان قادر نیستند به دلیل گرانی و هزینه‌های نجومی، به دندانپزشکی بروند یا گفته کارشناسان، برای اطمینان از سلامت دندان و دهان، هر شش‌ماه یا هر یک سال باید به دندانپزشک مراجعه کرد با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد ایران در زمینه سلامت دهان و دندان، به‌ویژه در شاخص‌های جهانی، وضعیت قابل قبولی ندارد و در مقایسه با کشورهای پیشرفته فاصله‌ای محسوس دیده می‌شود. موضوعی که معاون بهداشت وزیر بهداشت نیز به آن اشاره کرده و گفته است، وضعیت دندان در ایران به شکلی است که بیش از نیمی از افراد بالای ۶۵ سال در کشور هیچ دندان‌ی ندارند.

دکتر زهرا قربانی سرپرست اداره سلامت دهان و دندان وزارت بهداشت نیز چندی قبل اعلام کرده بود که آخرین پیمایشی که برای سلامت دهان و دندان در گروه‌های سنی مختلف برگزار شد نشان داد که در حال حاضر، کودکان ۶ ساله به‌طور میانگین ۵ دندان شیری پوسیده دارند و در کودکان ۱۲ ساله نیز حدود ۱۱ دندان دائمی پوسیده مشاهده می‌شود. همچنین طبق آمارهای موجود، هر ایرانی حداقل ۶ دندان پوسیده دارد؛ بالای ۸۰ درصد افراد ۶ تا ۵ ساله به طور متوسط ۵ دندان شیری پوسیده، یا کشیده‌شده یا پر شده دارند، افراد ۳۰ تا ۴۰ ساله که در سن فعالیت اجتماعی هستند، ۱۲ تا ۱۳ دندان‌ی از‌دست‌رفته دارند.

شاخص دو برابر پوسیدگی دندان در نوجوانان

نگاهی به گزارش‌های منتشرشده در این زمینه نیز حکایت از وخامت شرایط بهداشت دهان و دندان ایرانی‌ها دارد. طبق آخرین گزارش وزارت بهداشت، شاخص پوسیدگی، کشیدگی و پرشدگی دندان (DMFT) در گروه سنی ۱۲ سال، حدود ۱.۱ است، در حالی که این رقم در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته کمتر از یک است. در جمعیت بزرگسال، این عدد گاهی به بالای ۱۴ نیز می‌رسد که از افزایش مشکلات درمان نشده دهانی در میان ایرانیان حکایت دارد.



نگاهی به وضعیت کشورهای پیشرفته

اما در بسیاری از کشورهای پیشرفته مردم به طور منظم به دندان‌پزشک مراجعه می‌کنند و سلامت دهان از آنجنان اهمیتی برخوردار است که بخشی از برنامه‌های رسمی سلامت ملی محسوب می‌شود. در همین راستا در بسیاری از کشورها، دولت‌ها نقش فعالی در حمایت از سلامت دهان و دندان ایفا می‌کنند. این حمایت‌ها عمدتاً به شکل ارائه بیمه‌های درمانی، خدمات رایگان یا یارانه‌ای و برنامه‌های غربالگری منظم برای ابقشار آسیب‌پذیر انجام می‌شود. از سویی استفاده گسترده از فلوراید و رعایت بهداشت دهان باعث شده شاخص پوسیدگی دندان در این کشورها پایین باشد. به عنوان نمونه، در کشورهای حوزه اسکاندیناوی و ژاپن، دانش آموزان از سن‌های پایین به‌طور مرتب توسط دندانپزشکان معاینه می‌شوند و حتی خدمات ترمیمی ساده نیز در مدارس ارائه می‌گردد.

در مقابل، در ایران خدمات پیشگیریانه مانند فلوراید تراپی، فیشورسیلانت و چکاپ‌های منظم، به دلیل بالا بودن هزینه‌ها، همچنان برای بسیاری از خانواده‌ها در دسترس نیست. برای مثال، داود ۳۸ ساله، که کارمند ساده یک اداره دولتی است، مدت‌هاست دو تا از دندان‌هایش درد می‌کند اما به قول خودش جرات رفتن به دندانپزشکی را ندارد: «کجا بروم؟ دکتر گفته باید ایمپلنت کنی. قیمت ایمپلنت دندان با روکش از ۱۲ میلیون شروع شده و تا ۶۰-۷۰ میلیون تومان هم می‌رسد، حالا در این وضعیت گرانی و تورم که در تأمین مایحتاج خانه هم مانده‌ام، از کجا باید این پول را جور کنم؟ البته دارم دنبال جایی می‌گردم که به صورت اقساطی و با چک ایمپلنت کنی ولی آنها هم داستان‌های خاص خودشان را دارند! به هر حال فعلا ترجیح می‌دهم با همین درد دندان بسازم تا ببینم چه می‌شود.»

تاثیر باورها و خرافات بر درمان‌های دندانپزشکی

علاوه بر هزینه‌های بالای درمان، در برخی جوامع، باورهای سنتی یا خرافاتی می‌توانند مانع از مراجعه افراد به دندانپزشک شوند. این باورها گاهی ریشه در فرهنگ یا تجربه‌های منفی نسل‌های پیشین دارند. در چنین کشورهایی، برخی افراد ترجیح می‌دهند به جای درمان علمی، به روش‌های خانگی یا سنتی پناه ببرند. این مسئله

همچنین به گفته رئیس، اقدامات دیگری نیز در این زمینه در دست اجرا است. از جمله تأمین پزشک برای مناطق محروم. وی در این زمینه با ذکر اینکه در مجموع ۲۵۰۰ دندانپزشک در مراکز خدمات جامع سلامت فعالیت دارند، می‌گوید: گروه هدف اصلی در این مراکز مادران باردار و کودکان زیر ۱۴ سال هستند. در روستاها و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت کشور ۱۳ خدمت رایگان به گروه هدف ارائه می‌شوند.

رئیس همچنین به توزیع حدود ۳۰۰ هزار مسواک و خمیردندان در هفت استان محروم با همکاری وزارت آموزش و پرورش اشاره



براساس گزارش‌های منتشرشده، در جمعیت ۱۸ سال و بالاتر کشور، نسبت استفاده از مسواک، نخ‌دندان و دهان‌شویه به ترتیب برابر با ۴۶/۸۲/۲۲/۹۰۸ درصد می‌باشد. این درصد‌ها در مناطق شهری نسبت به روستایی، زنان نسبت به مردان و ثروتمندترین دهک اقتصادی نسبت به فقیرترین بیشتر است. در کشور حدود ۱۸ درصد از افراد ۱۸ سال و بالاتر تمام دندان‌های خود را از دست داده‌اند و دچار بی‌دندانی کامل هستند. همچنین تقریباً ۶۷ درصد افراد ۱۸ سال و بالاتر کشور به طور متوسط هر ۳ ماه یکبار دچار دندان‌درد یا درد در حفره دهان می‌شوند.

کرده و گفته که در پایه اول دبستان نیز جشن رویش دندان‌شش جزو برنامه‌هاست. وی در این زمینه مدعی شده که طبق قانون برنامه هفتم توسعه باید این شاخص از ۱.۴ کاهش یابد.

دلایل یک عقب‌ماندگی قابل تامل

دکتر امیر بخشی، دندانپزشک نیز این موضوع را تأیید می‌کند که طی یکی دو سال اخیر آمار مراجعه به مطب و مراکز درمانی دندانپزشکی به شدت کاهش پیدا کرده است. وی در این زمینه به «هفت‌صبح» می‌گوید: وضعیت کاملاً روشن است. تعداد بیماران ما روز به روز کمتر و کمتر می‌شود. در عوض بیماران ترجیح می‌دهند که یا برای درمان دندان‌های خود به مراکز خیریه بروند و یا کلا قید درست کردن دندان‌هایشان را بزنند.



کمیکی می‌تواند به استقلال کند؟ از آن گذشته من شنیدم و می‌دانم رختکن استقلال از دست ساپینتو خارج شده و بازیکنان حرف‌شنوی لازم را از او ندارند. در چنین شرایطی هر روزی که او بیشتر در استقلال بماند، به‌ضرر این تیم خواهد بود.»

وزنه برداری

هدف مانا گویا و المپیک لس آنجلس است

تیم ملی وزنه برداری ایران با سیاست جوانگرایی به قهرمانی جهان رسید

علی عالی‌پور دیگر وزنه‌بردار ایران در دسته ۹۴ کیلوگرم موفق به کسب مدال نقره در یک‌ضرب شد. علیرضا نصیری دیگر نماینده ایران در دسته ۱۱۰ کیلوگرم موفق به کسب دو مدال نقره در دوضرب و مجموع شد. شنبه شب گذشته هم علی داوودی یک مدال برنز در یک‌ضرب گرفت و به‌رغم مصدومیت و اوت شدن آیت شریفی در دسته فوق‌سنگین تیم ایران روی سکوی نخست ایستاد.

تیم ملی وزنه‌برداری ایران با کسب ۳۸۷ امتیاز در صدر جدول ایستاده و با قدرت عنوان قهرمانی دنیا را تصاحب کرد تا ثابت شود جوانگرایی به شعار دادن نیست. بهداد سلیمی پس از قهرمانی در نرؤز اعلام کرد هدف اولیه او بازی‌های آسیایی ناگویا و هدف اصلی مسابقات المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است.

شکی وجود ندارد همین تیم با هدایت بهداد سلیمی قهرمان سابق جهان و المپیک و به لطف حمایت‌های سجاد انوشیروانی رئیس فدراسیون می‌تواند رکوردی خارق‌العاده در المپیک لس‌آنجلس به‌جا بگذارد.

بهداد سلیمی و جوانگرایی او در تیم ملی وزنه‌برداری می‌تواند الگویی به‌رای همه رشته‌های ورزشی در ایران و مربیانی باشد که از جوانگرایی واهمه داشته یا نگران صندلی خود هستند!

تیم ملی بهتر از کافابازی کرد

قلعه‌نویی با دعوت از اسماعیلی فر ثابت کرد لجباز نیست

شایسته‌های لیگ‌برتر، گفت: «همه ما دیدیم که حسین ابرقویی با ۵،۴ بازی خوب برای تیم باشگاهی‌اش فیکس تیم ملی شد یا کسری طاهری جوان در دیدار با روسیه فرصت بازی پیدا کرد. البته دعوت و بازی کردن دانیال اسماعیلی‌فر ثابت کرد امیر قلعه‌نویی لجباز نیست و هر چیزی به سود تیم ملی باشد انجام می‌دهد. همین دانیال اسماعیلی‌فر چند وقت پیش در تلویزیون علیه سرمربی تیم ملی حرف‌هایی در لفاقه زد اما دیدیم دعوت شد.»

او درباره بازی دوستانه مقابل تانزانیا نیز گفت: «من شناخت زیادی از این تیم ندارم اما می‌دانم در گروهی که مراکش قرار دارد، دره دوم جدول مقدماتی جام‌جهانی بوده و حتی سنگال را ۲ بریک شکست داده است. این تیم با

الجزایر مساوی کرده و یک‌برصفر به مراکش باخته. چنین تیمی نمی‌تواند ضعیف باشد و من هم امیدوارم با حریفی قدرتمند روز سه‌شنبه طرف شویم که نقاط ضعف و قوت ما را روشن کند.»

شاهرخ بیانی در پایان درباره حمایت هیأت مدیره و سیدورف از ریکاردو ساپینتو نیز گفت: «کلارنس سیدورف کجاست؟ شما بگویید؟ مشاور یا مدیرفنی پروازی چه

کاپیتان سابق استقلال معتقد است که حمایت بیش از اندازه از ریکاردو ساپینتو در این مقطع سودی برای استقلال ندارد.

به گزارش هفت‌صبح ورزشی، مسابقات لیگ‌برتر تعطیل شده و تیم‌های ملی مختلف دنیا از جمله ایران مشغول بازی‌های تدارکاتی و دوستانه هستند.

به بهانه بازی دوستانه ایران و روسیه با شاهرخ بیانی تماس گرفتیم که به ما گفت: «واقعیت امر این است که تیم ملی به بهانه بازی دوستانه ایران و روسیه با شاهرخ بیانی تماس نسبت به تورنمنت کافا نمایش بهتری داشت و بازی نسبتاً خوبی هم انجام داد. فراموش نکنید روسیه یک تیم اروپایی است که در خانه خود و جلوی ۴۰ هزار تماشاگر بازی می‌کرد.»

او افزود: «شک‌نکنید اگر این بازی دوستانه در تهران بر گزار می‌شد نتیجه دیگری رقم می‌خورد. در بازی‌های دوستانه باخت‌های خفیف و این‌چنینی نه‌تنها بد نیست بلکه به سود تیم‌ها هم تمام می‌شود. ما جلوی روسیه چند چهره جدید را دیدیم و امتحان کردیم و این موضوع خیلی خوشحال‌کننده است.»

شاهرخ بیانی ضمن تمجید از امیر قلعه‌نویی در دعوت از

وزنه برداری

هدف مانا گویا و المپیک لس آنجلس است

تیم ملی وزنه برداری ایران با سیاست جوانگرایی به قهرمانی جهان رسید



وزنه برداری

هدف مانا گویا و المپیک لس آنجلس است

علی عالی‌پور دیگر وزنه‌بردار ایران در دسته ۹۴ کیلوگرم موفق به کسب مدال نقره در یک‌ضرب شد. علیرضا نصیری دیگر نماینده ایران در دسته ۱۱۰ کیلوگرم موفق به کسب دو مدال نقره در دوضرب و مجموع شد. شنبه شب گذشته هم علی داوودی یک مدال برنز در یک‌ضرب گرفت و به‌رغم مصدومیت و اوت شدن آیت شریفی در دسته فوق‌سنگین تیم ایران روی سکوی نخست ایستاد.

تیم ملی وزنه‌برداری ایران با کسب ۳۸۷ امتیاز در صدر جدول ایستاده و با قدرت عنوان قهرمانی دنیا را تصاحب کرد تا ثابت شود جوانگرایی به شعار دادن نیست.

بهداد سلیمی پس از قهرمانی در نرؤز اعلام کرد هدف اولیه او بازی‌های آسیایی ناگویا و هدف اصلی مسابقات المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است.

شکی وجود ندارد همین تیم با هدایت بهداد سلیمی قهرمان سابق جهان و المپیک و به لطف حمایت‌های سجاد انوشیروانی رئیس فدراسیون می‌تواند رکوردی خارق‌العاده در المپیک لس‌آنجلس به‌جا بگذارد.

بهداد سلیمی و جوانگرایی او در تیم ملی وزنه‌برداری می‌تواند الگویی به‌رای همه رشته‌های ورزشی در ایران و مربیانی باشد که از جوانگرایی واهمه داشته یا نگران صندلی خود هستند!

نیمه‌های شب یکی از روزهای پایانی شهرپورما، صدای فریاد و درگیری از کوچه‌ای در محله شیوا در شرق تهران، سکوت محله را شکست. مردم هراسان از پشت پنجره‌ها به خیابان نگاه می‌کردند و بعضی با ترس شماره ۱۱۰ را می‌گرفتند. چند مرد با چوب، قمه و حتی سلاح گرم به جان هم افتاده بودند و صدای تیراندازی و شکستن شیشه خودروها، رعب و وحشت را در دل ساکنان انداخته بود.

دقایقی بعد چراغ‌های ایی و قرمز گشت‌های پلیس فضای تاریک محله را روشن کرد. مأموران پایگاه ششم پلیس اطلاعات و امنیت تهران را هماهنگی عوامل کلانتری به محل درگیری اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که این نزاع خیابانی میان چند نفر از اراذل و اوباش محله شیوا شکل گرفته است. این افراد از مدت‌ها قبل با هم خصومت داشتند و درگیری شب حادثه، ادامه همان دشمنی‌های قدیمی بود که این بار با تیراندازی پایان یافت. در صحنه، چند نفر مجروح روی زمین افتاده بودند و آثار خون در سطح کوچه به چشم می‌خورد. شاهدان می‌گفتند: «یکی از آن‌ها که همه را با اسسم مستعار می‌شناختند، ناگهان از زیر کاپشنش سلاح گرم بیرون کشید و به سمت رقیبش شلیک کرد. بعد هم با موتور از محل گریخت.»

با ثبت اظهارات اهالی و بررسی دوربین‌های اطراف، تیم تحقیق خیلی زود هویت فرد مسلح را شناسایی کرد. او یکی از اشرار سابقه‌دار شرق تهران بود که پیش‌تر نیز به جرم حمل سلاح، سرزد، ایجاد درگیری و اخلاف در نظم عمومی بازداشت شده بود، اما پس از آزادی دوباره به رفتارهای مجرمانه‌اش بازگشته بود.

کارآگاهان پلیس اطلاعات در ادامه تحقیقات، با بهره‌گیری از منابع محلی و اقدامات فنی، مخفیگاه متهم را در یکی از خانه‌های قدیمی مشیریه شناسایی کردند. ساعت هنوز از پنج صبح نگذشته بود که عملیات آغاز شد. تیم

وزنه برداری

هدف مانا گویا و المپیک لس آنجلس است

علی عالی‌پور دیگر وزنه‌بردار ایران در دسته ۹۴ کیلوگرم موفق به کسب مدال نقره در یک‌ضرب شد. علیرضا نصیری دیگر نماینده ایران در دسته ۱۱۰ کیلوگرم موفق به کسب دو مدال نقره در دوضرب و مجموع شد. شنبه شب گذشته هم علی داوودی یک مدال برنز در یک‌ضرب گرفت و به‌رغم مصدومیت و اوت شدن آیت شریفی در دسته فوق‌سنگین تیم ایران روی سکوی نخست ایستاد.

تیم ملی وزنه‌برداری ایران با کسب ۳۸۷ امتیاز در صدر جدول ایستاده و با قدرت عنوان قهرمانی دنیا را تصاحب کرد تا ثابت شود جوانگرایی به شعار دادن نیست.

بهداد سلیمی پس از قهرمانی در نرؤز اعلام کرد هدف اولیه او بازی‌های آسیایی ناگویا و هدف اصلی مسابقات المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است.

شکی وجود ندارد همین تیم با هدایت بهداد سلیمی قهرمان سابق جهان و المپیک و به لطف حمایت‌های سجاد انوشیروانی رئیس فدراسیون می‌تواند رکوردی خارق‌العاده در المپیک لس‌آنجلس به‌جا بگذارد.

بهداد سلیمی و جوانگرایی او در تیم ملی وزنه‌برداری می‌تواند الگویی به‌رای همه رشته‌های ورزشی در ایران و مربیانی باشد که از جوانگرایی واهمه داشته یا نگران صندلی خود هستند!

نیمه‌های شب یکی از روزهای پایانی شهرپورما، صدای فریاد و درگیری از کوچه‌ای در محله شیوا در شرق تهران، سکوت محله را شکست. مردم هراسان از پشت پنجره‌ها به خیابان نگاه می‌کردند و بعضی با ترس شماره ۱۱۰ را می‌گرفتند. چند مرد با چوب، قمه و حتی سلاح گرم به جان هم افتاده بودند و صدای تیراندازی و شکستن شیشه خودروها، رعب و وحشت را در دل ساکنان انداخته بود. دقایقی بعد چراغ‌های ایی و قرمز گشت‌های پلیس فضای تاریک محله را روشن کرد. مأموران پایگاه ششم پلیس اطلاعات و امنیت تهران را هماهنگی عوامل کلانتری به محل درگیری اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که این نزاع خیابانی میان چند نفر از اراذل و اوباش محله شیوا شکل گرفته است. این افراد از مدت‌ها قبل با هم خصومت داشتند و درگیری شب حادثه، ادامه همان دشمنی‌های قدیمی بود که این بار با تیراندازی پایان یافت. در صحنه، چند نفر مجروح روی زمین افتاده بودند و آثار خون در سطح کوچه به چشم می‌خورد. شاهدان می‌گفتند: «یکی از آن‌ها که همه را با اسسم مستعار می‌شناختند، ناگهان از زیر کاپشنش سلاح گرم بیرون کشید و به سمت رقیبش شلیک کرد. بعد هم با موتور از محل گریخت.»

با ثبت اظهارات اهالی و بررسی دوربین‌های اطراف، تیم تحقیق خیلی زود هویت فرد مسلح را شناسایی کرد. او یکی از اشرار سابقه‌دار شرق تهران بود که پیش‌تر نیز به جرم حمل سلاح، سرزد، ایجاد درگیری و اخلاف در نظم عمومی بازداشت شده بود، اما پس از آزادی دوباره به رفتارهای مجرمانه‌اش بازگشته بود.

کارآگاهان پلیس اطلاعات در ادامه تحقیقات، با بهره‌گیری از منابع محلی و اقدامات فنی، مخفیگاه متهم را در یکی از خانه‌های قدیمی مشیریه شناسایی کردند. ساعت هنوز از پنج صبح نگذشته بود که عملیات آغاز شد. تیم

مجتبی محرمی:امیر قلعه‌نویی تصمیمی درست و منطقی گرفت

میلاد محمدی بهترین مدافع چپ ایران است



مدافع چپ افسانه‌ای تیم ملی و پرسپولیس با دعوت میلاد محمدی نیمکت‌نشین به اردوی تیم ایران موافق است. میلاد محمدی یکی از بازیکنان ثابت تیم امیر قلعه‌نویی بود که پس از اشتباه مهلک و اخراج شدن در بازی با تیم ملی قطر، دیگر در لیست قرار نگرفت و دعوت نشد.

پس از بازی دوستانه مقابل روسیه که علی نعمتی به‌س‌عنوان مدافع چپ و در پست غیر تخصصی به میدان رفت، امیر قلعه‌نویی تصمیم گرفت از میلاد محمدی دعوت کند تا خودش را به امارات و بازی تانزانیا برساند. این در حالی است که مدافع چپ سرشناس پرسپولیس در فصل جاری با نظر وحید هاشمیان، فقط در دیدار هفته سوم مقابل فولاد خوزستان در ترکیب بوده و در پنج مسابقه دیگر به‌عنوان یار جانشین استفاده شده. میلاد پس از چهار ماه دوباره تجربه

دعوت به تیم ملی را به دست آورد و این شانس را دارد تا روز سه‌شنبه در دیدار تدارکاتی ایران برابر تانزانیا به میدان برود. برخی‌ها این دعوت را به چالش کشیده‌اند که چرا مدافع نیمکت‌نشین پرسپولیس به اردوی تیم ملی دعوت شده است. برخی هم مثل مجتبی محرمی نظر دیگری دارند.

مجتبی محرمی که به گواه بسیاری از کارشناسان بهترین مدافع چپ تاریخ فوتبال ایران است، در این رابطه به هفت صبح ورزشی گفت: به نظر من امیر قلعه‌نویی تصمیم بسیار درست و منطقی گرفت.

وزنه برداری

هدف مانا گویا و المپیک لس آنجلس است

علی عالی‌پور دیگر وزنه‌بردار ایران در دسته ۹۴ کیلوگرم موفق به کسب مدال نقره در یک‌ضرب شد. علیرضا نصیری دیگر نماینده ایران در دسته ۱۱۰ کیلوگرم موفق به کسب دو مدال نقره در دوضرب و مجموع شد. شنبه شب گذشته هم علی داوودی یک مدال برنز در یک‌ضرب گرفت و به‌رغم مصدومیت و اوت شدن آیت شریفی در دسته فوق‌سنگین تیم ایران روی سکوی نخست ایستاد.

تیم ملی وزنه‌برداری ایران با کسب ۳۸۷ امتیاز در صدر جدول ایستاده و با قدرت عنوان قهرمانی دنیا را تصاحب کرد تا ثابت شود جوانگرایی به شعار دادن نیست.

بهداد سلیمی پس از قهرمانی در نرؤز اعلام کرد هدف اولیه او بازی‌های آسیایی ناگویا و هدف اصلی مسابقات المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است.

شکی وجود ندارد همین تیم با هدایت بهداد سلیمی قهرمان سابق جهان و المپیک و به لطف حمایت‌های سجاد انوشیروانی رئیس فدراسیون می‌تواند رکوردی خارق‌العاده در المپیک لس‌آنجلس به‌جا بگذارد.

بهداد سلیمی و جوانگرایی او در تیم ملی وزنه‌برداری می‌تواند الگویی به‌رای همه رشته‌های ورزشی در ایران و مربیانی باشد که از جوانگرایی واهمه داشته یا نگران صندلی خود هستند!

نیمه‌های شب یکی از روزهای پایانی شهرپورما، صدای فریاد و درگیری از کوچه‌ای در محله شیوا در شرق تهران، سکوت محله را شکست. مردم هراسان از پشت پنجره‌ها به خیابان نگاه می‌کردند و بعضی با ترس شماره ۱۱۰ را می‌گرفتند. چند مرد با چوب، قمه و حتی سلاح گرم به جان هم افتاده بودند و صدای تیراندازی و شکستن شیشه خودروها، رعب و وحشت را در دل ساکنان انداخته بود.

دقایقی بعد چراغ‌های ایی و قرمز گشت‌های پلیس فضای تاریک محله را روشن کرد. مأموران پایگاه ششم پلیس اطلاعات و امنیت تهران را هماهنگی عوامل کلانتری به محل درگیری اعزام شدند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که این نزاع خیابانی میان چند نفر از اراذل و اوباش محله شیوا شکل گرفته است. این افراد از مدت‌ها قبل با هم خصومت داشتند و درگیری شب حادثه، ادامه همان دشمنی‌های قدیمی بود که این بار با تیراندازی پایان یافت. در صحنه، چند نفر مجروح روی زمین افتاده بودند و آثار خون در سطح کوچه به چشم می‌خورد. شاهدان می‌گفتند: «یکی از آن‌ها که همه را با اسسم مستعار می‌شناختند، ناگهان از زیر کاپشنش سلاح گرم بیرون کشید و به سمت رقیبش شلیک کرد. بعد هم با موتور از محل گریخت.»

با ثبت اظهارات اهالی و بررسی دوربین‌های اطراف، تیم تحقیق خیلی زود هویت فرد مسلح را شناسایی کرد. او یکی از اشرار سابقه‌دار شرق تهران بود که پیش‌تر نیز به جرم حمل سلاح، سرزد، ایجاد درگیری و اخلاف در نظم عمومی بازداشت شده بود، اما پس از آزادی دوباره به رفتارهای مجرمانه‌اش بازگشته بود.

کارآگاهان پلیس اطلاعات در ادامه تحقیقات، با بهره‌گیری از منابع محلی و اقدامات فنی، مخفیگاه متهم را در یکی از خانه‌های قدیمی مشیریه شناسایی کردند. ساعت هنوز از پنج صبح نگذشته بود که عملیات آغاز شد. تیم

حوادث

متمهی که رفیق گرما به و گلستان خود را در عالم مستی به قتل رسانده بود، پای میز محاکمه اظهار پشیمانی کرد

رد جنایت در بساط عیش جاده لواسان

فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر حوادث

اواسط اردیبهشت ماه سال قبل مرد جوانی از یکی از بیمارستان‌های شرق تهران جان باخت.

در ادامه مشخص شد که این فرد به نام علی ۳۲ ساله، پنج روز قبل توسط یک خواهر و برادر به بیمارستان منتقل شده بود.

علی در حالی که به علت جراحات عمیق با اصابت جسم سخت به سینه‌اش مورد معالجه و درمان قرار گرفت اما شدت ضربه وارد شده به حدی بود که در نهایت طاق‌ت نیاورد و جان خود را از دست داد.

علی قبل از اینکه به کام مرگ فرو برود، در اظهاراتش گفته بود در درگیری با همان خواهر و برادری که او را راهی بیمارستان کردند، مجروح شده بود.

به این ترتیب با مرگ علی، رسیدگی به پرونده وارد فاز جنایی شد و مأموران در آغاز تحقیقات بالای سر جسد قربانی در سردخانه



هادی در ادامه در مورد شب حادثه گفت: «ما همیشه در کنار بساط

